

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)

پاسخ ها و پیام ها

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها
معاونت مطالعات راهبردی - اداره مشاوره و پاسخ
سرشناسه: داداش زاده، محمدرضا، 1344 -

عنوان و نام پدیدآور: پاسخ ها و پیام های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله / پژوهش محمدرضا داداش زاده؛ تنظیم و نظارت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، معاونت مطالعات راهبردی - اداره مشاوره و پاسخ؛ ترجمه و تدوین محمد مهدی رضایی.

مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف.

مشخصات ظاهری: 108 ص

شابک: 12/000 ریال ؛ 9-069-531-964-978

یادداشت: کتابنامه: ص [105] - 107 ؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: محمد صلی الله علیه و آله پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11 ق. - احادیث.

موضوع: محمد صلی الله علیه و آله، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11 ق. کلمات قصار.

موضوع: اسلام - پرسش ها و پاسخ ها.

شناسه افزوده: رضایی، محمد مهدی، 1351 - مترجم

رده بندی کنگره: 1385 9پ6/5/142 BP

رده بندی دیویی: 218 / 297

شماره کتابشناسی ملی: 1769303

تنظیم و نظارت: ... نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها

معاونت مطالعات راهبردی - اداره مشاوره و پاسخ

پژوهش: ... محمدرضا داداش زاده

ترجمه و تدوین: ... محمد مهدی رضایی

تایپ و صفحه آرایی: ... طالب بخشایش

انتشارات: ... دفتر نشر معارف

نوبت چاپ: ... چهارم، بهار 89

تیراژ : ... 10/000 جلد

قیمت : ... 1200 تومان

شابک : ... 978-964-531-069-9

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

مراکز پخش:

قم: معاونت مطالعات راهبردی نهاد، تلفن 2904440

قم: خیابان شهدا، کوچه 32، پلاک 3، تلفن و نمابر: 7744616

فروشگاه قم: خ شهدا، روبه روی دفتر رهبری، تلفن 7735451 نمابر 7742757

فروشگاه تهران: خ انقلاب، چهارراه کالج، جنب بانک ملت، پ 715 تلفن 88911212

نشانی اینترنت: www.nashremaaref.ir

پست الکترونیک: info@porseman.org

فهرست مطالب

مقدمه ... 11

درآمد ... 13

بخش نخست - پاسخ های پیامبر صلی الله علیه و آله

معرفت های ربوبی

اساس دانش ... 19

تفسیر این کلمات چیست؟ ... 19

حق خدا بر بندگان ... 21

بدترین کارها ... 21

پروردگارت کجا است؟ ... 21

اسم اعظم خدا چیست؟ ... 22

قرآن، سهم چشم ها از عبادت ... 23

درباره پیامبر صلی الله علیه و آله

- 25 ... مرا محمد گفته اند چون... 25
- 26 ... بر پرتگاه جهنم 26
- 27 ... نه خصلت ویژه 27
- 27 ... رفقای پیامبر صلی الله علیه و آله کیستند؟ 27
- 27 ... چاره این دوری چیست؟ 27
- اهل بیت نجات و رستگاری
- 29 ... بهای بهشت 29
- 30 ... نجات یافتگان کیستند؟ 30
- 30 ... محبوب ترین نام ها 30
- 31 ... تَقْلین یعنی چه؟ 31
- 31 ... خویشاوندان من 31
- 32 ... برترین خانه ها 32
- 33 ... اساس اسلام چیست؟ 33
- 33 ... آن کلمات شگرف 33
- دوازده سرپرست الهی
- 35 ... از ما، یا از غیر ما؟ 35
- 35 ... وارث علم نبی صلی الله علیه و آله 35
- 36 ... اولوالامر کیانند؟ 36
- 37 ... صالح مؤمنان کیست؟ 37
- 37 ... رازدار محمد صلی الله علیه و آله 37
- 38 ... ولایت این مرد 38
- 39 ... سبقت گیرندگان 39
- 39 ... از سوی تو، یا از سوی خدا؟ 39
- 41 ... زائران عرشی خدا 41
- مرگ و معاد
- 43 ... یک چشم به هم زدن 43
- 43 ... ره توشه قیامت 43

- مرگ دوست داشتنی ... 44
- زیرک ترین، مؤمن ... 44
- ویران کننده لذت ها ... 45
- سخت ترین گردنه قیامت ... 45
- کار بهشتیان و دوزخیان چیست؟ ... 46
- فلسفه احکامی چند
- دور کننده های شیطان ... 47
- کدام روزه؟ ... 48
- کدام جهاد؟ ... 48
- نماز و نیاز
- نماز چیست؟ ... 49
- در وصف نماز ... 49
- خدا پسندانه ترین اعمال ... 50
- پنج شست و شو ... 50
- آنکه نماز را سبک بشمارد ... 51
- کدام عمل؟ ... 52
- سلاح رهایی بخش ... 52
- اول درود بر محمد و خاندانش علیه السلام ... 53
- چرا به اجابت نمی رسند؟ ... 53
- ایمان و مؤمنان
- بزرگ ترین مرگ کدام است؟ ... 55
- محکم ترین دستاویز ایمان ... 55
- اگر راست می گوئید... ... 56
- اولیاء الله کیستند؟ ... 57
- مؤمن کیست و...؟ ... 57
- مؤمن و دروغ! ... 58
- جام بلا بیشترش می دهند ... 58

- ویژگی های مؤمن ... 59
- نشانه مؤمن ... 60
- باغ بهشت چیست؟ ... 60
- اخلاق و زندگی
- تا عزیزترین باشی ... 61
- جهاد اکبر چیست؟ ... 61
- پاک کننده گناهان ... 62
- دردتان چیست و درمانتان کدام؟ ... 62
- گناهی که به بهشت می برد ... 62
- توبه بی بازگشت ... 63
- بزرگترین گناهان ... 63
- سفارش های نبوی ... 64
- آنها را ترک مکن ... 65
- قلب سلیم، قلب کیست؟ ... 66
- برترین اخلاق ... 66
- عاقبت اندیش باش ... 66
- سه نجات بخش و سه هلاک کننده ... 67
- چنین کن تا... ... 67
- چه کنم، بهستی شوم؟ ... 68
- اخلاق برتر ... 68
- زیانت را نگاه دار ... 69
- بدترین شما ... 69
- نیرنگ و ریا ... 70
- جهاد، یا پدر و مادر؟ ... 70
- سه بار فرمود : مادر ... 71
- بی نیازی خدا چیست؟ ... 72
- خشمگین مشو ... 72

دشمنان نعمت های خدا کیستند؟ ... 73

همسایه آزار، مسلمان نیست ... 73

برترین عمل چیست؟ ... 74

محبوب ترین ها ... 74

... تا دوستت بدارند ... 74

با مردم چنان باش که... 74

صدقه، ماندنی است ... 75

شاید راست بگوید ... 75

کدام صدقه؟ ... 76

چگونه صدقه بدهم؟ ... 76

آیا تو را نیاموزم؟ ... 76

کفاره غیبت ... 77

این توکل نیست ... 77

جز پاک را نمی پذیرد ... 77

مردانگی همین است ... 78

از خدا باید ترسید ... 78

زیاد کننده روزی چیست؟ ... 79

معنای دوراندیشی ... 79

ضمانت بهشت ... 79

کدام مردگان؟ ... 80

همسرت کارگزار خدا است ... 80

ازدواج، چاره نیازمندی ... 80

چگونه مالی را به دست آوریم؟ ... 81

از آن بپرهیزید ... 81

پسندیدگی حج به چیست؟ ... 81

حق شوهر بر زن ... 82

حق زن بر شوهر ... 82

83 ... ذمه خود را رها کنید

83 ... نشانه های نعمت کو؟

84 ... آیا سپاسگزار نباشم؟

84 ... در وصف شکیبایان

84 ... چه کسی بهترین است؟

85 ... منبر نشینان نور

86 ... قوی ترین شما کیست؟

86 ... چه کسانی برگزیده اند؟

87 ... خردمند کیست؟

87 ... شبیه ترین شما به من

87 ... سایه نشینان عرش

88 ... غریبان مصلح

88 ... دانش چیست؟

89 ... چگونه دانش را مهار کنیم؟

89 ... دانشمند حقیقی

90 ... مؤمن بی دین

90 ... حق راه و رهگذر

91 ... دنیای بی ارزش

91 ... شوخی بی جا

92 ... بهترین قاری کیست؟

92 ... کتاب هدایت

بخش دوم - پیام های پیامبر صلی الله علیه و آله

یکصد و سی پیام از پیامبر صلی الله علیه و آله ... 95

کتابنامه ... 105

نسل جوان و فرهیختگان دانش و تلاش، همگی خواهان «خوب»ها و «خوبی»هایند و در پی آناند که ایمان و پاکی درون را با صفا و صمیمیت برون هم نوا سازند، به طوری که زندگی فردی شان بر پایه آراستگی و وارستگی استوار گردد و زندگی اجتماعی شان بر اساس درستی و راستی شکل بگیرد.

در این میان دانشگاهیان عزیز آینه تمام نمای فرهنگ و دانش جامعه اند و پیشرفت تمدن بشری بر تارک ایشان مهر زده شده است. از این رو تقویت بنیان های اعتقادی و کمک به رشد و بالندگی روحیه معنوی شان از مهمترین وظایف نهادهای فرهنگی جامعه است.

اداره مشاوره و پاسخ نیز محفل انسی فراهم آورده تا استادان حوزه و دانشگاه و صاحبان دانش و قلم، گرد هم آیند و آموزه های برگرفته از وحی الهی و تجربه و دانش بزرگان جامعه بشری را به رشته تحریر در آورند و در اختیار جوانان تشنه علم و معنویت و شیفتگان همّت و خدمت قرار دهد. آنچه پیش رو دارید برگزیده ای از پرسش هایی است که در محضر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مطرح شده و حضرتش پاسخ داده اند؛ به ضمیمه منتخبی از پیام های پیامبر صلی الله علیه و آله تقدیم می شود.

این مجموعه توسط محققان ارجمند، حجج اسلام آقایان محمد باقر پورامینی (مدیریت) و محمدرضا داداش زاده (پژوهش) تهیه گردیده و توسط نویسنده گرامی جناب آقای محمد مهدی رضایی ترجمه و تدوین شده است.

برآنیم با توفیق خداوند، به تدریج، مجموعه هایی از این دست، تقدیم شما خوبان کنیم. پیشنهادهای سازنده شما، راهنمای ما در ارائه خدمات فرهنگی هرچه شایسته تر و پربارتر خواهد بود.

در پایان از تلاش های مخلصانه تدوین کنندگان محترم و مجموعه همکاران اداره مشاوره و پاسخ، به خصوص حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای صالح قنادی (زیدعزه) که در بازخوانی و آماده سازی این اثر تلاش کرده اند، تشکر و قدردانی می شود و دوام توفیقات این عزیزان را در جهت خدمت بیشتر به مکتب اهل بیت علیهم السلام و ارتقاء فرهنگ دینی جامعه به ویژه دانشگاهیان از خداوند متعال مسألت داریم.

والله ولی التوفیق

معاون مطالعات راهبردی نهاد

محمد اسحاق مسعودی

درآمد

رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمانه ای به پیامبری برانگیخته شد که نه تنها سرزمین پهناور عربستان که بیشتر مردم

دنیا در کشورها و سرزمین های دیگر، به دور از حیات متعالی انسانی، به زندگی ای طبیعی خو گرفته بودند و ظلمتی سهمگین و حیرت زا بر سرپای بشر آن روز سایه افکنده بود و به تعبیر حضرت امیر علیه السلام :

«مردم در حیرت گمراهی غرقه بودند و بر اثر کج روی ها، به بدعت ها و فتنه ها مبتلا شده بودند . هوی و هوس ها بر آنان چیره گشته و بزرگان دنیا آنان را به لغزش کشیده و جهالت عمیق، آنان را گرفتار خفت و سبک مغزی کرده بود . آنان مردمی متحیر و سردرگم و غرق در بلای نادانی بودند»¹ .

در چنین اوضاع و شرایط آشفته ای، پیامبر صلی الله علیه و آله به امر خدا، پرچم هدایت و نجات بشریت را به دست گرفت و برای مردمان گرفتار در زنجیرهای منیت و مادیت و شرک به خدا، پیام آور عدالت و معنویت و یکتا پرستی گردید و چراغ تابنده وجودش، قافله راه گم کرده بشری در ظلمتکده طبیعت را به ترک تاریکی و در پیش گرفتن راه رهایی و نور دعوت نمود .

رسالت الهی رسول الله صلی الله علیه و آله گرچه از مکه آغاز شد و مخاطبان نخستین آن، مردمان آن سرزمین بودند، اما به تصریح قرآن کریم، خداوند او را برای سعادت بخشی تمام بشریت، در همه عصرها و مصرها، برانگیخته بود و رسالتی جهانی را بر عهده توانای آن حضرت نهاده بود ؛ زیرا ظلمت و گمراهی مردم آن روزگار، ویژه آنان نبود و همه بشریت در همه زمان ها با آن دست به گریبان بوده و هستند .

به بیان دیگر، انسان دامن پرورده طبیعت و ماده است و «جهان طبیعت جهان ظلمت است، ظلمت عادات و محیط، ظلمت غرایز و امیال، ظلمت آراء و اهواء و افکار و اغراض و این همه، فروغ فطرت آدمی را می پوشاند و محبوب می گرداند و او را از تشخیص حقیقت و گرایش به نور واقع بازمی دارد . پس همچنان که شناخت درست اشیاء و رؤیت صحیح آنها با نور میسر است و بدون آن شدنی نیست، شناخت درست حقایق عالم و نیز رؤیت آنها و تمیز دادن هر یک از آنها، جز با نور حقیقی امکان پذیر نیست»² یعنی نور انسان کامل و فرستاده از طرف خدا .

بنابراین، نه تنها عرب های صحرائین و پرخشونت و بی تمدن و عادت کرده به انواع ستم ها و کج روی ها در عصر بعثت، که پس از آنان، تمام انسان ها چه آنان که آمده اند و رفته اند، چه آنان که هستند و چه کسانی که می آیند، همه و همه یکسره به تعالیم حقه و هدایتگر محمد صلی الله علیه و آله نیازمند بوده و هستند و هیچ انسانی بدون چنگ زدن به ریسمان راهنمایی های آن حضرت، توان بیرون آمدن از چاه ویل طبیعت و ماده را به طور کامل ندارد، و توانایی پرگشودن در آسمان رستگاری و تقرب به بارگاه ربوبی را نخواهد داشت .

برای آموختن از پیامبر صلی الله علیه و آله و راه سپردن به آنچه هدف رسالت آن حضرت است ؛ یعنی برآوردن آدمی از حسیض تیره بختی و ضلالت و رساندن او به اوج کمالات انسانی، سیره و سخن ایشان بهترین و مطمئن ترین دستاویز است . به سخن دیگر، آنچه از شیوه رفتار و کردار و بیانات رسول خدا صلی الله علیه و آله برجای مانده، تا همیشه پاسخ گوی سؤالات گوناگونی تواند بود که از درون انسان درباره خودش و جهات پیرامونش و آغاز و انجام هستی می جوشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله - و به تبع او دیگر حضرات معصومین علیهم السلام - به عنوان یک انسان آگاه و مطلع از اسرار عالم هستی و آشنا به امور گوناگون زندگی بشر در دنیا و آخرت، و برخوردار از رفتار و گفتاری معصومانه و بی خطا، برای همگان مقام مرجعیت علمی و دینی دارد. یعنی چون از روی هوا و هوس و خواهش های زودگذر بشری سخن نمی گوید و سبیه و سخنش پشتوانه ای بی بدیل و خلل ناپذیر چون عصمت دارد، لازم است که انسان ها دستورات دینی خود را از آن حضرت اخذ کنند و او را الگوی اعمال و گرفتار خویش قرار دهند :

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»³. بی شک در گفتار و رفتار رسول خدا پیروی نیکویی است برای شما، برای کسانی که امیدوار خدا و روز قیامتند و خدا را فراوان یاد می کنند. سخنانی که بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله جاری گردیده و به لطف بزرگ پروردگار، به ما رسیده بر سه گونه اند : قرآن،

حدیث قدسی (که نه کلام صریح پیامبر است و نه وحی منزل، بلکه حدیثی است که ایشان از خدا نقل کرده)، حدیث، یا سخن صریح پیامبر صلی الله علیه و آله .

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی نیست و در جایگاه حدیث قدسی قرار ندارد، اما دمی از عالم قدس و نوری از ربوبیت الهی در آن موج می زند و همین ویژگی آن را از کلام انسان های عادی که سخنی طبیعی و گاهی مایه گرفته از تاریکی نادانی و امیال و اغراض و غرایز است، متمایز می سازد. سخن پیامبر صلی الله علیه و آله سخن نور است و محتوایش در ارتباط با عالم بالا و از هرگونه نقص و نقض و خلاف و خطا دور است. پس این، تنها سخنی است که باید از سوی دیگران، بی هیچ اگر و اما، به دیده قبول نگریسته شود، سند و حجت باشد و چونان مشعلی فروزنده و ظلمت شکن، در دل تاریکی ها و جهالت ها مورد استفاده قرار گیرد. آری تنها در پرتو پاسخ ها و پیام های پیامبر صلی الله علیه و آله است که نادانی ها به دانایی، خطاکاری ها به درست کاری و گمراهی ها به هدایت می رسند و راه قرب الهی که اساس نیک بختی و سعادت این جهانی و آن جهانی بشر است، هموار می گردد و بیموده می شود.

بخش نخست

پاسخ های پیامبر

(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ)

معرفت های ربوبی

اساس دانش

مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت : اساس دانش چیست؟

فرمود : شناخت خدا .

گفت : معرفت سزاوار خدا کدام است؟

فرمود : آن است که او را به نداشتن مثل و مانند بشناسی و بدانی که او معبود، یگانه، آفریدگار، توانا، نخستین و واپسین، و

آشکار و نهان است و هیچ انباز و همانند ندارد . این است شناخت خدا، آنگونه که باید .4

تفسیر این کلمات چیست؟

امام حسین علیه السلام : مردی یهودی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و... گفت : من از ده سخن که خدای

تعالی در بقعه مبارکه، در مناجات موسی، به او عطا فرمود، از تو می پرسم که آنها را جز پیامبر مرسل یا ملک مقرب نمی

داند .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : از هر چه می خواهی، بپرس .

... گفت : برای من، از تفسیر «سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» بگو .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : خدا می دانست که آدمیزاد و جن، به خدای تعالی دروغ می بندند، پس فرمود : «سبحان

الله » یعنی او از آنچه آنها می گویند پاک و مبرا است .

اما «الحمد لله» . خدا می دانست که بندگان نمی توانند سپاس نعمت هایش را به جای آورند . پس خودش را ستایش

نمود، پیش از آنکه خلائق او را حمد کنند . اگر این کلام الهی نبود، خداوند به هیچ کس نعمتی نمی داد .

اما «لا اله الا الله» . معنی این سخن، وحدانیت خداوند است . خدا هیچ عملی را جز به وسیله آن نمی پذیرد و جز به

واسطه آن کسی وارد بهشت نمی شود . این کلام را، «کلمه تقوی» گفته اند چون در روز قیامت، ترازوی عمل را سنگین

می کند .

اما «الله اکبر» . بالاتر و والاتر از آن، سخنی نیست و نزد خدا محبوب ترین است . «الله اکبر» یعنی بزرگتر از خدا چیزی

نیست . عظمت این کلمه از آن رو است که به خاطر کرامتی که نزد خدا دارد، آغاز هر نمازی با آن است و نامی است از

نام های برتر و بزرگ تر خدا .5

حق خدا بر بندگان

عباد بن صامت : به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتم : حق خدا بر بندگان چیست؟

فرمود : هیچ گاه به او شرک نوزند و او را عبادت کنند و نماز بر پای دارند و زکات بپردازند .6

بدترین کارها

امام صادق علیه السلام: مردی از قبیله «خثعم» خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و پرسید: بدترین کارها نزد خدای

عزوجل چیست؟

فرمود: «الشِّرْكَ بِاللَّهِ؛ شرک ورزیدن به خدا».

گفت: آنگاه چه؟

فرمود: پیوند بریدن از خویشان.

گفت: سپس چه؟

فرمود: امر کردن به بدی ها و ناپسندی ها، و بازداشتن از خوبی ها و کارهای پسندیده. 7.

پروردگارت کجا است؟

امام صادق علیه السلام: یهودی ای که به او «سَبِخْتُ» می گفتند، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای

رسول خدا، آمده ام درباره پروردگارت، از تو سؤالاتی بپرسم. اگر مرا پاسخ گویی، چه خوب، وگرنه باز می گردم.

فرمود: هر چه می خواهی، بپرس.

گفت: پروردگارت کجا است؟

فرمود: همه جا هست و در هیچ مکان محدودی نیست.

گفت: او چگونه است؟

فرمود: چگونه پروردگارم را با «چگونگی» توصیف کنم، در حالی که «چگونگی» خود مخلوق است و خداوند به

مخلوقش قابل توصیف نیست؟

گفت: مردم از کجا بدانند که تو پیامبر خدایی؟

در این هنگام تمام سنگ ها و چیزهای پیرامون او به سخن آمدند و با زبان عربی مبین گفتند: ای سَبِخْتُ، او رسول خدا

است.

سَبِخْتُ گفت: تا امروز، امری به این آشکاری و روشنی ندیده بودم - سپس گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّكَ رَسُولُ

اللَّهِ 8؛ گواهی می دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و تو رسول و فرستاده خدایی».

اسم اعظم خدا چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله - در جواب سؤال از اسم اعظم خداوند - : همه اسم های خداوند اعظم و بزرگ ترند. پس

دل خود را از هر چه غیر او خالی گردان و به هر اسم که می خواهی او را بخوان. 9

قرآن، سهم چشم ها از عبادت

رسول خدا صلی الله علیه و آله : سهم چشم های خود را از عبادت بدهید .

گفتند : سهم آنها از عبادت چیست، ای رسول خدا؟

فرمود : «النَّظْرُ فِي الْمُصْحَفِ وَالتَّفَكُّرُ فِيهِ وَالْإِعْتِبَارُ عِنْدَ عَجَائِبِهِ 10 ؛ نگاه کردن به قرآن و اندیشیدن در آن و عبرت گرفتن، هنگام برخورد با شگفتی های آن» .

درباره پیامبر صلی الله علیه و آله

مرا محمد گفته اند چون...

امام حسن علیه السلام : عده ای از یهودیان خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و داناترین آنها سؤالاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید، از جمله : علت چیست که تو را «محمد، احمد، ابوالقاسم، داعی، نذیر و بشیر» گفته اند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «مرا محمد گفته اند، چون در زمین ستوده و مورد ستایشم ؛ و احمد گفته اند، چون در آسمان ستوده و مورد ستایشم ؛ و ابوالقاسم گفته اند، چون خدای عزوجل در قیامت دوزخ و بهشت را تقسیم می کند و آنگاه تمام کسانی که به من ایمان نیاورده اند، در آتش قرار می گیرند و تمام کسانی که به من ایمان آورده اند و به پیامبری ام اقرار کرده اند، در بهشت ؛ و داعی گفته اند چون مردم را به دین پروردگارم فرا می خوانم ؛ و نذیر گفته اند چون کسی را که نافرمانی ام کند، به آتش می ترسانم ؛ و بشیر گفته اند چون کسی را که پیروی ام نماید، به بهشت بشارت می دهم»

11.

بر پرتگاه جهنم

علی بن ابی طالب علیه السلام : فاطمه علیهاالسلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت : ای پدر، در روز بزرگ ترین

توقفگاه، و در روز وحشت های بزرگ و روز بیشترین هراس، شما را کجا ملاقات کنم؟

فرمود : ای فاطمه، مرا نزدیک درب بهشت ملاقات کن، در حالی که پرچم «الحمد لله» را در دست دارم و از امتم نزد

پروردگار شفاعت می کنم .

گفت : اگر آنجا نبودید؟

فرمود : نزدیک حوض کوثر، در حالی که امتم را سیراب می کنم .

گفت : اگر آنجا نبودید؟

فرمود: بر پل صراط، در حالی که ایستاده ام و می گویم: پروردگارا، امتم را به سلامت دار.

گفت: اگر آنجا نبودید؟

فرمود: نزدیک ترازوی سنجش اعمال، در حالی که می گویم: پروردگارا، امتم را به سلامت دار.

گفت: اگر آنجا نبودید؟

فرمود: «الْقَيْنِي عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ، أَمْنَعُ شَرَّهَا وَ لَهَبَهَا عَنْ أُمَّتِي؛ بر پرتگاه جهنم مرا ملاقات کن، در حالی که شعله ها و زبانه های آتش را از امتم دور می کنم».

با این سخن، چهره فاطمه - که درود خدا بر او و بر پدر و همسر و فرزندانش باد - از هم شکفت و شادمان گشت. 12. نه خصلت ویژه

امام حسین علیه السلام: مردی یهودی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و...

گفت: آن نه ویژگی که خداوند تنها به تو و امت تو عطا کرده و به پیامبران و امت های دیگر نداده، کدامند؟

فرمود: سوره حمد، اذان و اقامه، نماز جماعت در مساجد مسلمین، روز جمعه، بلند خواندن نماز در سه نماز، مرخص بودن امت من [از انجام واجبات] در هنگام بیماری و سفر، نماز بر جنازه ها، و شفاعت من در حق آن عده از امتم که گناه کبیره کرده اند. 13.

رفقای پیامبر صلی الله علیه و آله کیستند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای رحمت کند جانشینان مرا.

گفتند: جانشینان شما کیستند؟

فرمود: کسانی که پس از من می آیند و سنت مرا روایت می کنند و سخنانم را برای امتم نگاه می دارند؛ اینان رفیقان و

همراهان من در بهشتند. 14.

چاره این دوری چیست؟

علی بن ابی طالب علیه السلام: مردی از انصار خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: ای رسول خدا، دوری شما برای من تحمل ناپذیر است. هر گاه وارد خانه ام می شوم و به یاد شما می افتم، آنجا را ترک می کنم و می آیم تا شما را ببینم، چون دوستتان دارم. گاه می اندیشم که در روز قیامت، چون وارد بهشت شوم و شما در اعلی علین باشید، از دوری شما چه کنم، ای پیامبر خدا؟

آنجا بود که این آیه نازل گردید: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ، فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» 15؛ «و هر کس، از خدا و رسول اطاعت کند، چنین کسی با کسانی همنشین

خواهد شد که خدا نعمت خود را بر آنان تمام گردانیده، یعنی پیامبران و راستگویان و شهیدان و شایستگان . اینان، همنشینان خوبی هستند» .

پیامبر صلی الله علیه و آله مرد انصاری را فرا خواند و این آیه را برایش قرائت کرد و بدین وسیله، او را بشارت داد. 16.

اهل بیت نجات و رستگاری

بهای بهشت

راوی : اعرابی ای خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت : ای پیامبر خدا، آیا بهشت را قیمتی است؟ فرمود : آری .

گفت : قیمت آن چیست؟

فرمود : ذکر «لا إله إلا الله» که بنده، با خلوص نیت، آن را به زبان آورد .

گفت : خلوص نیت، یعنی چه؟

فرمود : یعنی به آنچه من به خاطر آن مبعوث شده ام، به درستی عمل کند و اهل بیت را دوست بدارد .

گفت : پدر و مادرم به فدایت، آیا دوستی اهل بیت از جمله حقوق «لا إله إلا الله» است؟

فرمود : «إِنَّ حُبَّهُمْ لَأَعْظَمُ حَقًّا 17 ؛ دوستی ایشان، بزرگ ترین و مهم ترین حقوق آن است» .

نجات یافتگان کیستند؟

علی علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : به زودی، امت من، هفتاد و سه گروه خواهند شد ؛ یک فرقه نجات می یابند و دیگران هلاک می گردند . نجات یافتگان کسانی هستند که به ولایت شما [اهل بیت] تمسک بجویند و

دانش و معرفت را از شما بگیرند و به رأی خود عمل نکنند . این عده، هیچ خطری در کمینشان نیست. 18.

محبوب ترین نام ها

جابر بن عبدالله انصاری : به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم : درباره علی بن ابی طالب چه می گوئید؟ فرمود : او، جان من است .

گفتم : درباره حسن و حسین چه می گوئید؟

فرمود : آن دو، روح و روان منند، و فاطمه مادر ایشان، دختر من است . آنچه او را بیازارد، مایه رنجش من است و آنچه او

را خوشحال کند، مرا شاد کرده است . خدا را گواه می گیرم که من با دشمنان ایشان دشمنم، و با دوستانشان دوست . ای

جابر، هر گاه خواستی خدا را بخوانی و دعایت مستجاب گردد، او را به نام های ایشان صدا بزنی، «فَأَنبَأْ أَحَبُّ الْأَسْمَاءِ إِلَى

اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ 19 ؛ که این نام ها نزد خداوند، محبوب ترین نام هائیند» .

تَقْلِينِ یعنی چه؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجة الوداع، در مسجد خیف، فرمود: من پیشاپیش شما می روم و شما در کنار حوض نزد من می آید؛ حوضی که پهنای آن به فاصله میان بصری [در شام] و صنعاء [در یمن] است و در آن قرح هایی سیمین به شمار ستارگان آسمان گذاشته شده. «**اَلَا وَاِنِّي سَأَلِكُمْ عَنِ التَّقْلِينِ**؛ بدانید که من درباره «تقلین» از شما خواهم پرسید»

گفتند: تقلین چیست، ای رسول خدا؟

فرمود: نخست کتاب خدا، که ثقل بزرگ تر است. یک طرف آن به دست خدا، و طرف دیگرش در دست شما است. پس بدان تمسک بجوئید تا گمراه نشوید و نلغزید. ثقل دیگر، عترت و اهل بیت من است. خدای لطیف مرا خبر داده که این دو هرگز از هم جدا نشوند، تا در کنار حوض نزد من آیند. کتاب خدا و عترت من مانند این دو انگشتند - و دو انگشت سبابه اش را روی هم نهاد - و نه مانند این دو انگشت - و انگشت سبابه و وسطی را روی هم نهاد - تا یکی بر دیگری بلندی و برتری یابد. 20

خویشاوندان من

عبدالله بن مسعود: در سفری، با رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه بودم. در میانه راه، اعرابی ای با صدای بلند، پیامبر را صدا زد و گفت: ای محمد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چه می خواهی؟

گفت: می شود انسان عده ای را دوست داشته باشد، ولی مانند آنها عمل نکند؟

فرمود: انسان ملازم آن چیزی است که دوست دارد.

گفت: ای محمد، اسلام را بر من عرضه کن.

فرمود: گواهی ده که خدایی جز خدای یکتا نیست و من رسول خدایم. پس نماز به جای آور و زکات بپرداز و ماه

رمضان را روزه بدار و حج خانه خدا را انجام ده.

گفت: ای محمد، آیا بر این کار مزد هم می خواهی؟

فرمود: جز مودت نسبت به خویشاوندان، چیزی نه.

گفت: خویشاوندان من، یا خویشاوندان تو؟

فرمود: خویشاوندان من.

گفت: دستت را پیش آر، تا بیعت کنم. «**لَا خَيْرَ فِي مَنْ يُوَدَّكَ وَ لَا يُؤَدُّ قُرْبَاكَ** 21؛ خیری نیست در کسی که تو را دوست

بدارد و خویشانت را دوست ندارد».

برترین خانه ها

انس و بُریده گویند : رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را قرائت کرد : «در خانه هایی که خداوند اجازت فرموده که بلندی یابند و نام خدا در آنها برده شود و در هر صبح و شام، در آنها، خدا را تسبیح گویند». 22.
مردی برخاست و گفت : این خانه ها کدامند، ای رسول خدا؟
فرمود : خانه های پیامبران .

ابوبکر بلند شد و در حالی که به خانه علی و فاطمه - صلوات الله علیهما - اشاره می کرد، گفت : ای رسول خدا، این خانه نیز جزو آن خانه ها است؟
فرمود : «نعم، مِنْ أَضْلَاهَا 23 ؛ آری، از برترین آنها است» .

اساس اسلام چیست؟

امام باقر علیه السلام، از پدرانش : چون رسول خدا صلی الله علیه و آله مناسک آخرین حج خود را به جای آورد، بر مرکب سوار شد و گفت : «جز مسلمان، کسی وارد بهشت نمی شود» .
ابوذر برخاست و عرض کرد : ای رسول خدا، اسلام چیست؟
فرمود : اسلام [به خودی خود] برهنه است . پس جامه اش تقوا، زینتش حیا، قوامش پرهیز از محرّمات، کمالش دین، و میوه اش عمل است . هر چیزی اساسی دارد و «أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ 24 ؛ و اساس اسلام دوستی ما اهل بیت است» .

آن کلمات شگرف

از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره کلماتی که آدم آنها را از پروردگارش دریافت نمود و توبه اش پذیرفته شد، پرسیدند.
فرمود : آدم خدا را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین سوگند داد که توبه اش را بپذیرد، و خدا توبه اش را پذیرفت . 25.

دوازده سرپرست الهی

از ما، یا از غیر ما؟

حارث بن نوفل: علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: ای رسول خدا، امامان هدایتگر از مایند، یا از غیر ما؟

فرمود: تا روز قیامت، از بین ما خواهند بود. به واسطه ما است که خداوند مردمان را از گمراهی شرک می رهاند و از گمراهی فتنه ها نجات می دهد، و به وسیله ما است که آنها پس از گمراهی، برادر خواهند شد. 26

وارث علم نبی صلی الله علیه و آله

عمران بن حصین: شنیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی می گوید: تو وارث علم منی، تو امام و جانشین پس از منی، و پس از من، مردم را آنچه نمی دانند، می آموزی. تو پدر دو فرزند زاده من و همسر دختر منی، و عترت، یعنی پیشوایان معصوم، از نسل شمایند.

آنجا بود که سلمان از تعداد امامان معصوم علیه السلام سؤال کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به تعداد سرپرستان قوم بنی اسرائیل [و دوازده نفر] ند. 27

اولوالامر کیانند؟

جابر بن عبدالله انصاری: از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آیه «ای مؤمنان، از خدا و رسول و اولی الامر اطاعت کنیم» 28 سؤال کردم که ما خدا و رسولش را می شناسیم، اما «اولوالامر» چه کسانی هستند؟

فرمود: «هُم خُلَفَائِي يَا جَابِرُ، وَ أُمَّةَ الْمُسْلِمِينَ بَعْدِي؛ آنها جانشینان من، و پس از من، پیشوایان مسلمانانند، ای جابر». اولینشان علی بن ابی طالب است، آنگاه حسن، سپس حسین، پس از او علی بن حسین، آنگاه محمد بن علی - که در تورات به «باقر» معروف است و تو، ای جابر، او را درک می کنی. پس هر گاه به ملاقاتش نایل شدی، سلام مرا به او برسان - آنگاه جعفر بن محمد، پس از او موسی بن جعفر، سپس علی بن موسی، پس از او محمد بن علی، آنگاه علی بن محمد، سپس حسن بن علی و پس از او، هم نام و هم کنیه من، حجت خدا در زمین، و ذخیره او در میان بندگان، فرزند حسن بن علی است؛ همو که خدای تعالی به دست او مشرق و مغرب عالم را می گشاید و او کسی است که از چشم شیعیان و دوستدارانش غایب می شود، به غیبتی چنان سخت که جز کسانی که خداوند دل هاشان را به ایمان آزموده است، کسی بر اعتقاد به امامت او باقی نمی ماند. 29

صالح مؤمنان کیست؟

عمار بن یاسر: شنیدم که علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا صدا کرد و فرمود: آیا مژده ات ندهم؟

گفتم : چرا، ای رسول خدا، شما همیشه مژده خیر می دهید .

فرمود : خدا درباره تو آیه ای نازل فرموده است .

گفتم : آن آیه چیست، ای رسول خدا؟

فرمود : تو با جبرئیل مقارن شده ای - سپس خواند : - «... وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرًا 30» ؛ نیز

جبرئیل و مؤمنان شایسته و فرشتگان - پس از آنان - پشتیبان اویند». تو و مؤمنان از فرزندان، آن شایستگانید . 31

رازدار محمد صلی الله علیه و آله

سلمان فارسی : به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم : هر پیامبری را جانشینی است، جانشین شما کیست؟ پیامبر

صلی الله علیه و آله هیچ نگفت . چند روز بعد، چون مرا دید، فرمود : ای سلمان .

به سرعت خود را به ایشان رساندم و گفتم : بفرمایید .

فرمود : می دانی وصی موسی که بود؟

گفتم : یوشع بن نون .

فرمود : چرا او؟

گفتم : چون در آن روزگار، از همه داناتر بود .

فرمود : پس جانشین و رازدار من و بهترین کسی که من پس از خود بر جای می گذارم و او وعده هایم را وفا می کند و

وام هایم را می پردازد، علی بن ابی طالب است . 32

ولایت این مرد

امام صادق علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان جمعی از اصحاب نشسته بود که اعرابی ای وارد شد و

پیش روی آن حضرت زانو زد و گفت : ای رسول خدا، شنیده ام که خداوند در قرآن فرموده : «همگی به ریسمان الهی

چنگ زنید و پراکنده مشوید» . 33

منظور از این ریسمان که ما به چنگ زدن به آن مأمور شده ایم، چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله دست بر شانه علی بن ابی طالب علیه السلام زد و فرمود : «وَلَايَةُ هَذَا» ؛ [آن ریسمان] ولایت

این مرد است .

در این هنگام، اعرابی برخاست و مشت هایش را گره کرد و گفت : «گواهی می دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست، و

گواهی می دهم که محمد رسول خدا است، و به ریسمان او چنگ می زنم» و انگشتانش را درهم محکم کرد و فشرد . 34

سبقت گیرندگان

ابن عباس: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم که در آیه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ . أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» 35؛ «[گروه دیگر] سبقت گیرندگانند . سبقت گیرندگان، همان مقربان درگاهند» سبقت گیرندگان چه کسانی هستند؟
فرمود: جبرئیل به من گفت: «ذاک، علی و شیعه؛ آن سبقت گیرندگان، علی و پیروان اویند» که به سوی بهشت، از یکدیگر پیشی می گیرند، و به کرامت ویژه الهی به درگاه خدا تقرب می یابند. 36

از سوی تو، یا از سوی خدا؟

ابوهریره: در روز غدیر خم، جهاز شتران را روی هم قرار دادیم و پیامبر صلی الله علیه و آله از آنها بالا رفت و پس از حمد و ثنای پروردگار، بازوی علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفت و بلند کرد و... فرمود: «هر که من مولای اویم، این علی مولای او است . خدایا، دوستانش را دوست بدار و دشمنانش را دشمن؛ یاری کنندگانش را یاری کن و تنها گذاردگانش را تنها گذار» .

در این هنگام، از وسط جمعیت، اعرابی ای برخاست و به سوی آن حضرت رفت و گفت: ای رسول خدا، تو ما را دعوت کردی که گواهی دهیم خدای جز خدای یکتا نیست و اینکه تو رسول خدایی، پذیرفتیم و گواهی دادیم؛ ما را به نماز فرمان دادی، نماز به جای آوردیم؛ به روزه امر کردی، روزه گرفتیم؛ به جهاد برانگیختی، جهاد کردیم؛ گفתי زکات بپردازیم، پرداختیم . این همه تو را بس نیست که پیش چشم همگان، دست این جوان را گرفته ای و می گویی: «خدایا، هر که من مولای اویم، این علی مولای او است» . این را از طرف خدا می گویی، یا از خودت؟
فرمود: این از سوی خدا است، نه از من .

گفت: یعنی از سوی همان خدایی که جز او خدایی نیست؟

فرمود: آری، از سوی همان خدایی که جز او خدایی نیست (و این جمله را سه بار، تکرار فرمود) .

اعرابی برخاست و به سرعت به سوی شترش رفت، در حالی که می گفت: خدایا، اگر آنچه محمد می گویند، به حق و از سوی تو است، یا از آسمان سنگی بر ما فرو افکن، یا برای ما عذابی دردناک و ناگزیر فرست .
هنوز سخن اعرابی به پایان نرسیده بود که آتشی از آسمان فرود آمد و او را سوزاند . در پی این ماجرا، خداوند این آیات را نازل فرمود: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ . لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ . مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ» 37؛ «سؤال کننده ای از عذابی واقع شدنی سؤال کرد . ویژه کافران، که بازدارنده ای ندارد . و از سوی خداوند دارای مرتبه ها است» . 38

زائران عرشی خدا

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه فاطمه علیها السلام بود و علی و حسن و حسین علیهم السلام نیز نزد آن حضرت بودند و جمعی سراسر شادی و خوشحالی داشتند . در این هنگام جبرئیل امین فرود آمد و گفت: «ای محمد، خداوند سلامت می رساند و می گوید آیا از اینکه در دنیا، با اهل بیت خود گرد آمده ای، خوشحالی؟»

گفت : آری، و خدا را بر این اجتماع سپاس می گزارم .

جبرئیل گفت : خدای تعالی می فرماید اینان کشته می شوند و قبرهاشان متفرق و پراکنده می گردد .

پیامبر صلی الله علیه و آله گریست و علی علیه السلام به آن حضرت گفت : چرا می گریید، ای رسول خدا؟

فرمود : ای علی، این جبرئیل است که از آینده شما به من خبر می دهد که کشته می شوید و قبرهاتان پراکنده می گردد .

علی علیه السلام گفت : ستایش خدای را به خاطر مصیبت هایی که به ما اختصاص داده است . ای رسول خدا، ثواب کسی

که ما را در مدت زندگی یا پس از مرگمان زیارت کند، چیست؟

فرمود : هر که من یا تو، یا فاطمه، یا حسن، یا حسین را در مدت زندگی یا پس از مرگمان زیارت کند، «**كَانَ كَمَنْ زَارَ**

اللَّهِ فِي عَرْشِهِ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ 39؛ همچون کسی است که خدا را در عرش او زیارت کرده

و خداوند ثواب جهاد گران در راه خدا را برایش خواهد نوشت» .

مرگ و معاد

یک چشم به هم زدن

رسول خدا صلی الله علیه و آله - در جواب این پرسش که حال انسان در دنیا چگونه است: - حال او مانند قافله ای است

که می گذرد .

گفتند : چقدر در آن می ماند؟

فرمود : به اندازه کسی که از قافله ای عقب مانده .

گفتند : فاصله بین دنیا و آخرت چقدر است؟

فرمود : «**عَمَضَةُ عَيْنٍ ؛ یک چشم بر هم زدن**» .

خدای تعالی فرمود : «آنان در روزی که وعده شده ها را می بینند، گمان می کنند که جز ساعتی از روز را در دنیا درنگ

نکرده اند» 40. 41

ره توشه قیامت

انس بن مالک : مردی، از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره قیامت پرسید .

حضرت فرمود : برای آن روز، چه فراهم کرده ای؟

گفت : دوستی خدا و رسولش را .

فرمود : «**أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحَبَبْتَ 42**؛ تو با کسی خواهی بود که دوستش داری» .

مرگ دوست داشتنی

مردی از انصار، از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: چرا من مرگ را دوست ندارم؟

فرمود: آیا مال و ثروتی داری؟

گفت: آری.

فرمود: پس آن را پیشاپیش بفرست، چون دل انسان با مال و ثروتش است که اگر آن را پیش بفرستد، دوست دارد به آن

ملحق شود، و اگر آن را پشت سر بگذارد، می خواهد در کنار آن بماند. 43

زیرک ترین، مؤمن

از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: زیرک ترین مؤمنان کیست؟

فرمود: «أَكْثَرُهُمْ ذِكْرًا لِلْمَوْتِ وَأَشَدَّهُمْ إِسْتِعْدَادًا لَهُ» 44؛ آن که بیشتر به یاد مرگ باشد و آمادگی اش برای مرگ، از همه

شدیدتر و سخت تر باشد».

ویران کننده لذت ها

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ویران کننده لذت ها را یاد کنید.

گفتند: آن ویران کننده چیست، ای رسول خدا؟

فرمود: مرگ. هر گاه بنده ای در خوشی و رفاه، مرگ را آنگونه که هست به یاد آورد، دنیا بر او تنگ شود، و چون در

سختی و گرفتاری از آن یاد کند، دنیا برایش وسیع و راحت گردد. مرگ، نخستین منزلگاه آخرت، و واپسین منزلگاه دنیا

است. پس خوشا کسی که در نخستین منزلگاه آخرت، گرامی داشته شود، و در واپسین منزلگاه دنیا، به نیکی بدرقه اش

کند. 45

سخت ترین گرده قیامت

رسول خدا صلی الله علیه و آله: میان بنده و بهشت هفت گرده است که آسان گذرترین آنها مرگ است.

انس گفت: گفتم: پس سخت ترین آنها کدام است، ای رسول خدا؟

فرمود: «الْوُقُوفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِذَا تَعَلَّقَ الْمُظْلَمُونَ بِالظَّالِمِينَ» 46؛ ایستادن در پیشگاه خدای عز و جل آنگاه که

ستمدیدگان دامان ستمگران را می گیرند».

کار بهشتیان و دوزخیان چیست؟

مردی، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و پرسید: ای رسول خدا، کار بهشتیان چیست؟
فرمود: راستگویی. بنده، چون راست بگوید، کار نیک کند، و چون کار نیک کند، امان یا بد، و چون امان یابد، وارد بهشت
شود.

گفت: ای رسول خدا، کار جهنمیان چیست؟
فرمود: «الْكَذِبُ. وَ إِذَا كَذَبَ الْعَبْدُ فَجَرَ، وَ إِذَا فَجَرَ كَفَرَ، وَ إِذَا كَفَرَ دَخَلَ النَّارَ» 47؛ دروغ. هر گاه بنده دروغ بگوید، کار
زشت و بد انجام دهد و چون کار زشت انجام دهد، به کفر و بی ایمانی کشیده شود، و سرانجام در آتش افتد».

فلسفه احکامی چند

دور کننده های شیطان
پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود: آیا شما را از اموری آگاه نکنم که چون آنها را انجام دهید، شیطان از شما
چندان دور می شود که مشرق از مغرب؟
گفتند: چرا، ای رسول خدا.
فرمود: روزه، روی شیطان را سیاه می کند و صدقه پشت او را می شکنند و دوستی در راه خدا و همکاری در اعمال نیک،
او را هلاک می گرداند و آمرزش خواستن از خدا رگ حیاتش را قطع می کند. هر چیزی زکاتی دارد و زکات بدن ها،
روزه است. 48

کدام روزه؟

در حدیث ابوذراست که گفت: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم؛ ... کدام روزه پر فضیلت تر است؟
فرمود: «فَرَضٌ مُّجْزِي 49؛ روزه واجب پاداش یافته».

کدام جهاد؟

در حدیث ابوذراست که گفت: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: ... برترین جهاد کدام است؟
فرمود: «مَنْ عَقِرَ جَوَادُهُ وَ أَهْرَيْقَ دَمُهُ» 50؛ «جهاد کسی که مرکبش پی و خورش ریخته شود».

نماز و نیاز

نماز چیست؟

در حدیث ابوذر است که گفت: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: نماز چیست؟ فرمود: «شریف ترین اعمال؛ بسیار گزارده شود یا اندک». 51

در وصف نماز

از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره نماز و اهمیت آن پرسیدند.

فرمود: نماز از احکام و مقررات دین، و در آن مایه های خشنودی پروردگار است. نماز، شیوه پیامبران است و جزای نمازگزار، دوستی فرشتگان و هدایت و ایمان و نور شناخت پروردگار خواهد بود. نماز برکت روزی، راحتی بدن، ناخشنودی شیطان، سلاح در برابر کافر، مایه اجابت دعا و قبولی اعمال، توشه مؤمن در سفر از دنیا به آخرت، شفیع میان بنده و فرشته مرگ، مونس او در قبر، بالش زیر پهلوهایش و پاسخ منکر و نکیر است. نماز بنده، در روز قیامت، تاجی است بر سرش و نوری در صورتش، و لباسی بر تنش، و مانعی میان او و آتش، و دلیلی برای او در پیشگاه پروردگارش، و نجاتی برای بدنش از آتش، و جواز عبوری بر پل صراط، و کلیدی برای بهشت، و مهریه ای برای حورالعین، و بهایی برای بهشت.

به وسیله نماز، بنده به بالاترین مرتبه ها عروج می کند، چرا که نماز، هم «سبحان الله» است و هم «لااله الا الله» و هم «الله اکبر» و هم تمجید و تقدیس خداوندگار و هم سخن و هم دعا. 52

خدا پسندانه ترین اعمال

عبدالله بن مسعود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: محبوب ترین کارها نزد خدای عزوجل کدام است؟ فرمود: «الصَّلَاةُ لَوْ قَتَّهَا؛ به جای آوردن نماز در وقتش».

گفتم: سپس چه؟

فرمود: خوبی کردن به پدر و مادر.

گفتم: آنگاه چه؟

فرمود: جهاد در راه خدای عزوجل.

حضرت همین اندازه فرمود و اگر من بیشتر می پرسیدم، موارد بیشتری ذکر می فرمود. 53.

پنج شست و شو

راوی : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : اگر جلو خانه یکی از شما نهر آبی باشد و او روزی پنج مرتبه خود را در آن شست و شو دهد، آیا چرکی در بدنش باقی می ماند؟
گفتند : نه .

فرمود : نمازهای پنجگانه مانند آن نهر آب است که خداوند با آنها خطاها و بدکرداری ها را می شوید و می زداید. 54.

آنکه نماز را سبک بشمارد

بانوی بانوان، دخت سید رسولان، فاطمه زهرا - که دروهای خدا بر او و پدرش و همسر و فرزندانش باد - از پدر بزرگوارش محمد صلی الله علیه و آله پرسید : ای پدر، جزای مردان و زنانی که نماز را سبک شمارند، چیست؟
فرمود : هر مرد و زنی نماز را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده خصلت گرفتار می سازد که شش تا در دنیا و سه تا در هنگام مرگ و سه تا در قبر و سه تا در روز قیامت، وقتی که از قبر بیرون می آید، خواهد بود .
آن خصلت ها که در دنیا دامنگیر او می شوند عبارتند از : خدا برکت را از عمرش برمی دارد، روزی اش را بی برکت می سازد، علامت نیکان را از صورتش می زداید، هیچ عملش را پاداش نمی دهد، دعایش به آسمان بالا نمی رود، و از دعای صالحان برخوردار نمی گردد .

اما آن خصلت ها که در هنگام مرگ به او می رسند : با خفت و خواری جان می دهد، گرسنه می میرد، و تشنه از دنیا می رود، که اگر از همه رودهای دنیا او را آب دهند، تشنگی اش برطرف نشود .
اما آن خصلت ها که در قبر به او می رسند : خداوند فرشته ای می گمارد تا او را در قبر شکنجه دهد، قبرش را تنگ می گرداند، و آن را تاریک می سازد .

اما آن خصلت ها که در روز قیامت، هنگام خروج از قبر به او می رسد : خدا فرشته ای می گمارد تا او را با صورت بر زمین بکشد، در حالی که مردمان به او می نگرند، از او به سختی حساب می کشد، خداوند او را نمی نگرد و پاکش نمی سازد، و او را عذابی دردناک خواهد بود. 55.

کدام عمل؟

در حدیث ابودر است که گفت : به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم : ... کدام [عمل در] نماز فضیلت بیشتر دارد؟

فرمود : «طُولُ الْقُنُوتِ 56 ؛ طولانی کردن قنوت» .

سلاح رهایی بخش

امام صادق علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : آیا شما را به سلاحی راه نمایم که از دشمنانتان رهایی بخشد و روزی هایتان را فراوان کند؟
گفتند : چرا، ای رسول خدا .

فرمود : شبانه روز، پروردگارتان را بخوانید «فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ 57 ؛ که سلاح مؤمن دعا است» .

اول درود بر محمد و خاندانش علیه السلام

امام صادق علیه السلام : مردی نزد رسول خدا آمد و گفت : ای رسول خدا، من یک سوم دعاهاى خود را برای شما قرار می دهم .

فرمود : خوب است .

گفت : ای رسول خدا، نیمی از دعاهاى خود را برای شما قرار می دهم .

فرمود : این بهتر است .

گفت : ای رسول خدا، من همه دعاهايم را برای شما قرار می دهم .

فرمود : در این صورت، خدای عزوجل تمام کارهای مهم و دل مشغول کننده دنیا و آخرت را کفایت می کند .

در این هنگام، مردی از امام صادق علیه السلام پرسید : چگونه دعاهايش را برای پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می دهد، خدایت نیکی دهد؟

فرمود : چیزی از خدای عز و جل درخواست نمی کند مگر اینکه نخست بر محمد و خاندانش درود می فرستد . 58

چرا به اجابت نمی رسند؟

از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند : چرا ما خدا را می خوانیم، اما دعايمان به اجابت نمی رسد، در حالی که

خداوند خود فرموده : «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» 59 ؛ «بخوانید مرا، تا اجابت کنم شما را»؟

پیامبر صلی الله علیه و آله جواب داد و فرمود : ده چیز، دل های شما را میرانده است :

1 . خدا را می شناسید و اطاعتش را دوست نمی دارید؛

2 . قرآن می خوانید و به آن عمل نمی کنید؛

3 . دوستی رسول خدا را ادعا می کنید و با فرزنداناش دشمنی می ورزید؛

4 . می گوئید دشمن شیطانید، اما موافق او کار می کنید؛

5. ادعای دوستی بهشت را دارید و برای به دست آوردنش عملی انجام نمی دهید؛
 6. می گوئید از آتش می ترسید، اما با دست خود، بدن هاتان را در آن می افکنید؛
 7. با عیب جویی کردن از مردم، از عیب های خود غافل مانده اید؛
 8. ادعای دشمنی با دنیا را دارید و یکسر به جمع کردن آن مشغولید؛
 9. مرگ را پذیرفته اید، اما برای آن آماده نشده اید؛
 10. مردگان خود را دفن می کنید و عبرت نمی گیرد.
- از این رو، دعاهایتان پاسخ داده نمی شود. 60

ایمان و مؤمنان

بزرگ ترین مرگ کدام است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیت به حضرت علی علیه السلام فرمود: فقر، مرگ بزرگ تر است .

کسی گفت : فقر دینار و درهم؟

فرمود : «الْفَقْرُ مِنَ الدِّينِ 61 ؛ فقر دین و ایمان» .

محکم ترین دستاویز ایمان

امام صادق علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود : کدام دستاویز ایمان محکم تر است؟

گفتند : خدا و رسولش داناترند .

بعضی از آنها گفتند : نماز .

و بعضی دیگر : زکات .

و عده ای : روزه .

و برخی : حج و عمره .

و بعضی : جهاد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : برای هر یک از آنچه گفتید، فضیلتی است، ولی اینها جواب پرسش من نیست .

محکم ترین دستاویز ایمان، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا، و پیروی از اولیای خدا، و بیزاری از دشمنان خدا

اگر راست می گوئید...

امام رضا علیه السلام : در یکی از جنگ ها، عده ای را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بردند، فرمود : کیستند؟ گفتند : مؤمنانند، ای رسول خدا .

فرمود : ایمانتان به چه پایه است؟

گفتند : در مرتبه شکیبایی بر مصیبت و سپاسگزاری هنگام نعمت و خشنودی به قضای الاهی .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : [این همه، اوصاف] بردباران دانشمندی است که نزدیک است از بسیاری فهم و دانش، جزو پیامبران قرار گیرند . اگر چنین هستید که می گوئید، پس خانه ای را که در آن نمی مانید، مسازید و آنچه را که نمی خورید، گرد میاورید و از خدایی که به سویش باز می گردید، پروا کنید . 63.

اولیاء الله کیستند؟

امام صادق علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر که خدا را شناخت و از او به بزرگی یاد کرد، زبانش را از سخن [بیهوده]، و شکمش را از خوراک [زاید] بازداشت و خود را با روزه و نماز، به رنج و سختی افکند .

گفتند : پدران و مادرانمان به فدای شما ای رسول خدا، آیا اینان اولیای خدایند؟

فرمود : اولیای خدا خاموشی گزینند و خاموشی شان یاد کرد [خدا] باشد، و نگاه کنند و نگاه کردنشان عبرت باشد، و سخن بگویند و سخن گفتنشان حکمت باشد، و راه روند و راه رفتنشان در میان مردم مایه برکت باشد . اگر مرگ های معین و مقررشان نبود، ارواحشان، از بیم عذاب و امید ثواب، در پیکرشان قرار گرفت . 64.

مؤمن کیست و...؟

امام باقر علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : آیا شما را خبر ندهم که مؤمن کیست؟ او کسی است که مؤمنان بر جان ها و اموال خود امینش می دانند . آیا شما را خبر ندهم که مسلمان کیست؟ او کسی است که مسلمانان از گزند زبان و دستش به سلامت باشند . و مهاجر کسی است که از بدی ها هجرت کند و حرام های خدا را ترک نماید . جایز نیست که مؤمنی بر مؤمن دیگر ستم کند و او را [در مشکلات] تنها گذارد و بدی اش را بگوید و او را از خود براند .

65.

مؤمن و دروغ!

امام رضا علیه السلام : از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند : آیا مؤمن ترسو می شود؟

فرمود : آری .

گفتند : بخیل می شود؟

فرمود : آری .

پرسیدند : دروغگو می شود؟

فرمود : نه . 66

جام بلا بیشترش می دهند

عبدالرحمن بن حجاج : در حضور امام صادق علیه السلام از بلا و آنچه خداوند انسان مؤمن را به آن ویژه ساخته است، سخن به میان آمد، فرمود : از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند : سخت ترین بلا در دنیا از آن کیست؟ فرمود : پیامبران، سپس کسانی که در مرتبه ای فروتر قرار دارند . انسان مؤمن به اندازه ایمان و کارهای نیکش آزموده می شود، پس هر که ایمانش درست و کارش نیک باشد، بلایش بیشتر خواهد بود و هر که ایمانش سست و کارش ضعیف باشد، بلایش اندک خواهد بود . 67

ویژگی های مؤمن

امیر مؤمنان علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد و گفت : پدر و مادرم به فدایتان، مرا از ویژگی های انسان مؤمن آگاه سازید . رسول خدا صلی الله علیه و آله اندکی سر پایین انداخت و سپس رو به علی علیه السلام کرد و فرمود : «مؤمن، بیست ویژگی دارد که هر کس به آنها متصف نشود، ایمانش به کمال نرسد . ای علی، از جمله اخلاق مؤمنان این است که در نماز جماعت حاضر می شوند و به زکات دادن شتاب می کنند و مساکین را خوراک می دهند و یتیم را نوازش می کنند و جامه های خود را پاک و طاهر نگاه می دارند و عورت های خود را می پوشانند . آنها کسانی هستند که چون لب به سخن می گشایند دروغ نمی گویند و چون وعده می دهند، وفا می کنند و چون چیزی به امانت می گیرند، در آن خیانت روا نمی دارند و چون چیزی می گویند، راست می گویند ؛ آنها عبادتگران شب و شیران روزند ؛ روزه داران روز و نمازگزاران شب اند ؛ همسایگان را نمی آزارند و هیچ همسایه ای از آنها آزرده خاطر نیست ؛ بر زمین، فروتنانه قدم برمی دارند و گام هایشان پیوسته به سوی خانه بیوه زنان و در پی جنازه ها در حرکت است . امید است که خدا ما و شما را از پرهیزکاران قرار دهد» . 68

نشانه مؤمن

عایشه : از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم : مؤمن، به چه شناخته می شود؟
فرمود : «بِقَارِهِ وَ لَبِنِ كَلَامِهِ وَ صِدْقِ حَدِيثِهِ» 69 ؛ به وقار و نرم سخنی و راستگویی اش .

باغ بهشت چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر گاه باغی از باغ های بهشت را دیدید، در آن گردش کنید .

گفتند : باغ بهشت چیست، ای رسول خدا؟

فرمود : «مَجَالِسُ الْمُؤْمِنِينَ» 70 ؛ محفل مؤمنان .

اخلاق و زندگی

تا عزیزترین باشی

رسول خدا صلی الله علیه و آله : یک خصلت است که هر کس بر آن مداومت نماید، دنیا و آخرت، او را مطیع و فرمانبردار
شوند .

گفتند : کدام خصلت، ای رسول خدا؟

فرمود : «التَّقْوَى ؛ پرهیزکاری» . هر کس می خواهد عزیزترین مردم باشد، باید تقوای الهی پیشه کند .

آنگاه این آیه را تلاوت کرد : «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا . وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» 71 ؛ «هر کس تقوای خدا

پیشه کند، [خداوند] برای او راه گشایشی قرار می دهد و از جایی که گمان آن ندارد، او را روزی می رساند» . 72

جهاد اکبر چیست؟

امام صادق علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله عده ای را به جنگ فرستاد . چون بازگشتند، فرمود : آفرین بر

گروهی که جهاد کوچک تر را به جای آوردند و جهاد بزرگ ترشان باقی مانده است .

گفتند : جهاد بزرگ تر کدام است، ای رسول خدا؟

فرمود : «جِهَادُ النَّفْسِ» 73 ؛ جهاد با نفس اماره .

پاک کننده گناهان

رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ کسی که از او پرسید چه چیزی گناهان مرا پاک می کند، فرمود: «الدَّمْعُ وَالْحُضُوعُ وَالْأَمْرُاضُ»⁷⁴؛ اشک ها و فروتنی و بیماری ها».

دردتان چیست و درمانتان کدام؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا شما را خبر ندهم که دردتان چیست و درمانتان کدام است؟ درد شما، گناهان و درمانتان، آمرزش خواستن از خدا است. 75.

گناهی که به بهشت می برد

رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: ای ابوذر، گاهی بنده گناهی می کند و با آن گناه وارد بهشت می شود.

[ابوذر گوید:] گفتم: چگونه چنین چیزی ممکن است، ای رسول خدا؟

فرمود: گناهی را همیشه پیش چشم دارد و از آن توبه می کند، «فَارَأَى إِلَى اللَّهِ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ»⁷⁶؛ و به سوی خدا می گریزد، تا وارد بهشت می شود».

توبه بی بازگشت

ابن عباس: معاذ بن جبل از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: توبه نصح چیست؟

فرمود: اینکه بنده از گناهی که کرده پشیمان شود، و از خدای تعالی پوزش بخواهد و آنگاه، هرگز به آن گناه باز نگردد،

همچون شیر که به پستان بر نمی گردد. 77.

بزرگترین گناهان

گویند مردی از صحابه، از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره تعداد گناهان کبیره سؤال کرد.

حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: آنها نه گناهند که بزرگ ترینشان شرک ورزیدن به خدا است، آنگاه به ناحق کشتن

انسان و فرار از جنگ و سحر و مال یتیم خوردن و رباخواری و نسبت زنا دادن به زن پاکدامن و به خشم آوردن پدر و

مادر مسلمان و حلال کردن حرمت خانه خدا که در زندگی و مرگ قبله شما است... «مَنْ لَا يَعْمَلُ هَذِهِ الْكِبَائِرَ وَ يُقِيمُ

الصَّلَاةَ وَ يُؤْتِي الزَّكَاةَ وَ يُقِيمُ عَلَى ذَلِكَ، إِلَّا رَافَقَ مُحَمَّدًا»⁷⁸؛ هر کس این گناهان را مرتکب نشود و نماز به جای آورد و

زکات بپردازد و بر این اعمال مداومت نماید، بی شک با رسول خدا محمد صلی الله علیه و آله رفیق و همراه گردد».

سفارش های نبوی

در حدیث ابوذر است که گفت: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم؛ ... ای پیامبر خدا، مرا سفارش کنید.
فرمود: تو را سفارش می‌کنم به تقوای خدا که اساس کار تو است.

گفتم: بیشتر بفرمایید.

فرمود: بر تو باد به تلاوت قرآن و یاد کرد خدا که یاد تو است در آسمان، و نوری برای تو در زمین.

گفتم: بیشتر بگویید.

فرمود: از خنده بسیار پرهیز که قلب را می‌میراند و نور رخساره را می‌برد.

گفتم: بیشتر بگویید.

فرمود: بر تو باد به جهاد کردن که جهاد، رهبانیت و دنیاگریزی امت من است.

گفتم: بیشتر بگویید.

فرمود: به زیر دست خود نگاه کن و به بالا دست خود منگر که این کار، به اینکه نعمت خدایت را ناسپاسی و تباه نکنی، سزاوارتر است.

گفتم: بیشتر بگویید.

فرمود: حق را بگو، اگر چه تلخ و ناگوار باشد.

گفتم: بیشتر بگویید.

فرمود: در راه خدا، از سرزنش سرزنش کنندگان مه‌راس.

گفتم: بیشتر بگویید.

فرمود: آن عیب‌ها که در خود سراغ داری، باید تو را از عیب‌جویی مردمان باز دارد، و نباید با آنان به خاطر اعمالی که خود می‌پسندی [و انجام می‌دهی] به خشم رفتار کنی.

سپس فرمود: «لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ، وَلَا حَسَبَ كَحُسْنِ الْخُلُقِ 79؛ هیچ خردی چون تدبیر و دوراندیشی، و هیچ اعتبار و پشتوانه‌ای چون خوش اخلاقی نیست».

آنها را ترک مکن

امام صادق علیه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا، خانواده‌ام بر من شورید و از من بریده‌اند و من آنها را ترک کرده‌ام.

فرمود: در این صورت، خدا همه شما را رها کرده و به خود واگذاشته است.

گفت: می‌فرمایید چه کنم؟

فرمود: با آن که از تو بریده، بپیوند و به آن که تو را محروم ساخته، ببخش و از آن که بر تو ستم نموده، درگذر، که اگر

چنین کنی از سوی خدا در برابر آنها پشتیبان و کمک کننده خواهی داشت. 80.

قلب سلیم، قلب کیست؟

از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره قلب سلیم پرسیدند .

فرمود : قلب سلیم، قلب کسی است که نه با نماز و روزه بسیار، که به وسیله رحمت خدا و سلامت ضمیر و دلخوشی به

سخاوت و بخشش، و مهربانی و دلسوزی نسبت به مسلمانان وارد بهشت می شود. 81.

برترین اخلاق

از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند : برترین اخلاق کدام است؟

فرمود : بخشش و راستگویی . و فرمود : «السَّخَاءُ كَمَالُ الْمُؤْمِنِ 82 ؛ سخاوت مایه رشد و کمال مؤمن است» .

عاقبت اندیش باش

امام باقر علیه السلام : مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت : مرا چیزی بیاموزید، ای رسول خدا .

فرمود : از آنچه در دست مردم است ناامید باش که این، نیازی حاضر و آماده است .

گفت : بیشتر بفرمایید، ای رسول خدا .

فرمود : از طمع کردن بپرهیز که فقر حاضر و آماده است .

گفت : بیشتر بفرمایید، ای رسول خدا .

فرمود : هر گاه قصد انجام کاری کردی، به سرانجامش بیندیش، اگر خیر و مایه هدایت بود، دنبالش کن و اگر گمراهی بود،

از آن دوری نما. 83.

سه نجات بخش و سه هلاک کننده

امام زین العابدین علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : سه چیز نجات بخش و سه چیز هلاک کننده اند .

گفتند : سه نجات بخش کدامند؟

فرمود : ترس از خدا در تنهایی، چنانکه گویی او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند ؛ عدالت ورزیدن

در خشنودی و خشم، و میانه روی در حال بی نیازی و نیازمندی .

گفتند : هلاک کننده ها کدامند، ای رسول خدا؟

فرمود : «هُوَیٌ مُتَّبِعٌ، وَ شُحٌّ مُطَاعٌ، وَ اِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ 84 ؛ هوای نفسی که دنبال شود، حرصی که به آن تن دهند، و

عُجْبٌ و خودپسندی انسان» .

چنین کن تا...

امام صادق علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردی که نزد ایشان بود، فرمود : آیا به کاری راهنمایی ات نکنم

که خدا به وسیله آن تو را به بهشت برد؟

گفت : چرا، ای رسول خدا .

فرمود : «**أَنْبَلُ مِمَّا أَنْالَكَ اللهُ** ؛ از آنچه خدایت عطا کرده، ببخش» .

گفت : اگر خود محتاج تر از دیگری باشم، چه؟

فرمود : ستمدیده را یاری کن .

گفت : اگر من ضعیف تر از او باشم، چه؟

فرمود : برای نادان کاری بکن - یعنی او را راهنمایی نما - .

گفت : اگر خود نادان تر از او باشم، چه؟

فرمود : زیانت را جز از سخن خیر، بازدار . آیا خوشحال نمی شوی که یکی از این خصلت ها در تو باشد و تو را به

بهشت بکشاند . 85

چه کنم، بهشتی شوم؟

اعرابی ای خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت : مرا به کاری راهنمایی کنید که به وسیله آن وارد بهشت

شوم .

فرمود : گرسنه را سیر کن و تشنه را سیراب نما و به نیکی ها فرمان ده و از بدی ها بازدار، و اگر نمی توانی، پس زبان

خود را جز از سخن نیک، نگاه دار که با این کار بر شیطان چیره می شوی . 86

اخلاق برتر

مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد : مرا از نمونه های والای اخلاق خبر دهید .

فرمود : ستم کننده بر خود را ببخش و با کسی که با تو پیوند بریده، ارتباط برقرار کن و به کسی که تو را محروم ساخته،

عطا و بخشش نما و حرف حق را بگو اگر چه به زیانت باشد . 87

زیانت را نگاه دار

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت : ای پیامبر خدا، مرا سفارشی کن .

فرمود : زبانت را نگاه دار .

گفت : ای رسول خدا، مرا سفارشی کن .

فرمود : زبانت را نگاه دار .

گفت : ای رسول خدا، مرا سفارشی کن .

فرمود : زبانت را نگاه دار، وای بر تو «هَلْ يَكْبُ النَّاسَ عَلَىٰ مَنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ إِلَّا حَصَائِدُ السِّنِّتِهِمْ»⁸⁸؛ آیا مردم را جز کشته های زبانشان، به رو در آتش می اندازد» .

بدترین شما

امام صادق علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : آیا نگویم که بدترین شما چه کسی است؟

گفتند : بفرمایید، ای رسول خدا .

فرمود : آنان که راه سخن چینی می پیمایند و میان دوستان جدایی می افکنند و از مردان پاک دامن عیب جویی می کنند

89.

نیرنگ و ریا

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش : از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند : نجات در روز قیامت، به چیست؟

فرمود : به این است که با خدا نیرنگ نبازید، که او نیز با شما نیرنگ کند . بی شک هر کس با خداوند مکر نماید، خداوند

با او مکر کند و جامه ایمان را از تنش بر کند . چنین کسی در حقیقت با خود مکر می کند، اگر بفهمد .

گفتند : نیرنگ زدن به خدا چگونه است؟

فرمود : اینگونه است که بنده به آنچه خدای عزوجل فرمان داده، عمل کند و جز او را در نظر آورد . «فَاتَّقُوا اللَّهَ مِنَ الرِّبَا،

فَإِنَّهُ شِرْكٌ بِاللَّهِ ؛ پس خدا را بیایید و ریا مکنید که این کار شرک به خدا است» . ریا کننده، در روز قیامت، به چهار نام

خوانده می شود : ای بی ایمان، ای بدکار، ای خیانت پیشه، ای زیان کار، عملت بی ارزش گردید و پاداشت از میان رفت

و امروز، تو را نصیبی نخواهد بود . اینک اجر خود را از کسی بخواه که برای او کار کرده ای . 90.

جهاد، یا پدر و مادر؟

امام صادق علیه السلام : مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت : ای رسول خدا، من نسبت به جهاد،

علاقه مند و با نشاطم .

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : پس در راه خدا جهاد کن که اگر کشته شوی، در واقع زنده ای و نزد خدا روزی

می خوری، و اگر به مرگ طبیعی از دنیا بروی، اجر تو بر عهده خدا است، و اگر به سلامت باز گردی، گویی از گناهانت

باز گشته ای و همچون روز تولدت بی گناه خواهی شد .

گفت : ای رسول خدا، من پدر و مادری پیر دارم که به گمان خود به من انس گرفته اند و رفتنم به جهاد را کراهت دارند .
فرمود : در این صورت با پدر و مادرت باش، «فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَأُنْسُهُمَا بِكَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً خَيْرٌ مِنْ جِهَادِ سَنَةٍ 91» ؛ به
خدایی که جانم در دست او است، انس یک شبانه روز تو با آنها از یک سال جهاد بهتر است .» .

سه بار فرمود : مادر

مردی، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای رسول خدا، به که خوبی کنم؟

فرمود : به مادرت .

گفتم : دیگر که؟

فرمود : مادرت .

گفتم : دیگر که؟

فرمود : مادرت .

گفتم : دیگر که؟

فرمود : پدرت . 92

بی نیازی خدا چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود : با بی نیازی خدا بی نیازی بجو، تا خدا بی نیازت گرداند .

[ابوذر گوید :] گفتم : بی نیازی خدا چیست، ای رسول خدا .

فرمود : دو وعده غذا، صبحانه و شام . «فَمَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ - يَا أَبَا ذَرٍّ - فَهُوَ أَغْنَى النَّاسِ 93» ؛ هر کس به آنچه خدا
روزی اش کرده، بسنده کند، او بی نیازترین مردم خواهد بود، ای ابوذر .» .

خشمگین مشو

امام صادق علیه السلام : مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد : ای رسول خدا، مرا چیزی بیاموز .

فرمود : برو و خشمگین مشو .

مرد گفت : همین، مرا بس است .

پس به میان قوم خود رفت و دید که آماده نبرد با قبیله ای دیگرند ؛ صفوف جنگ را آراسته اند و لباس رزم بر تن کرده
اند . او نیز سلاح بر گرفت و با آنها همراه گردید . در این هنگام، سخن رسول خدا را به یاد آورد که «خشمگین مشو» .

پس اسلحه خود را به کنار نهاد و به سوی لشکر دشمن رفت و به آنها گفت: ای جماعت، هر جراحت و قتل و زدن بی نشانه ای که در افراد شما باشد، بر عهده من، و من خون بهای آنها را به شما می پردازم. آنها گفتند: هر چه چنین باشد، از آن خودتان [و ما خون بها نمی خواهیم]. ما از شما، به پرداخت این جریمه سزاوارتریم. پس با یکدیگر آشتی کردند و آن کینه و دشمنی از میان برداشته شد. 94.

دشمنان نعمت های خدا کیستند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم، با نعمت های خدا دشمنی مکنید.

گفتند: چه کسی با نعمت های خدا دشمنی می کند؟

فرمود: «الَّذِينَ يَحْسُدُونَ النَّاسَ 95؛ کسانی که نسبت به مردم حسادت می ورزند».

همسایه آزار، مسلمان نیست

مردی از انصار خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت: من در فلان قبیله خانه ای خریده ام و نزدیک ترین

همسایه من در آن خانه کسی است که به خیرش امید ندارم و از شرش در امان نیستم.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله - به علی، سلمان، ابوذر و دیگری که او را فراموش کرده ام - شاید مقدار بود - دستور

داد که در مسجد با صدایی بلندتر از همیشه فریاد برآورند که: «ایمان ندارد کسی که همسایه اش از گزند و آزار او در

امان نیست». آنها سه بار این جمله را فریاد کردند و رسول خدا 9 با دستش اشاره کرد که همسایه شخص، تا چهل خانه

است از پیش رو و پشت سر، و از راست و چپ. 96.

برترین عمل چیست؟

از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: چه کاری، برترین است؟

فرمود: «أَنْ تَدْخُلَ عَلَى أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ سُورًا 97؛ اینکه برادر مؤمن را شاد و خوشحال کنی».

محبوب ترین ها

از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: محبوب ترین مردم نزد خدا کیست؟

فرمود: «أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ 98؛ آن که برای مردم، سودمندتر باشد».

... تا دوستت بدارند

امام باقر علیه السلام: اعرابی ای از قبیله «بنی تمیم» نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «مرا سفارشی کن». از

جمله سفارش های رسول خدا صلی الله علیه و آلهبه او این بود که : «**تَحَبَّبَ إِلَى النَّاسِ يُحِبُّوكَ** 99 ؛ با مردم دوستی کن تا تو را دوست بدارند» .

با مردم چنان باش که...

اعرابی ای نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد - در حالی که آن حضرت به جنگ می رفت - و رکاب شترش را گرفت و گفت : ای رسول خدا، عملی به من بیاموز که با آن به بهشت روم .

فرمود : با مردم آنگونه رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند، و با آنها رفتاری مکن که آن رفتار را از سوی آنان در حق خود روا نمی داری . 100

صدقه، ماندنی است

عایشه : گوسفندی را سر بریدند [و گوشتش را انفاق کردند]، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : از آن، چه باقی مانده است؟

عایشه گفت : جز شانه آن، چیزی باقی نمانده .

فرمود : «**بَقِيَ كُلُّهَا غَيْرَ كَتِفِهَا** 101 ؛ جز شانه، همه آن باقی مانده است» .

شاید راست بگویند

امام صادق علیه السلام : مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت : ای رسول خدا، آیا به غیر از زکات، حق دیگری در مال مسلمان هست؟

فرمود : آری . مسلمان باید هر گرسنه ای را که از او چیزی می خواهد سیر کند و هر برهنه نیازمندی را بپوشاند .

گفت : انسان می ترسد که او دروغ بگوید .

فرمود : «**أَفْلا يَخَافُ صِدْقَهُ** 102 ؛ آیا احتمال نمی دهد که راست بگوید» .

کدام صدقه؟

در حدیث ابوذراست که گفت : به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم : ... کدام صدقه بهتر است؟

فرمود : دسترنج تلاش [مردی] کم درآمد که پنهانی به فقیری داده شود . 103

چگونه صدقه بدهم؟

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت : ... به من بگویند که مالم را چگونه صدقه بدهم؟

فرمود: در حالی صدقه بده که سلامتی و بر مال خود حریص و از فقر می ترسی و امید بی نیازی داری. این کار را هرگز ترک مکن تا اینکه نفست به اینجا برسد - و به گلوی خود اشاره کرد - 104.

آیا تو را نیاموزم؟

ابن عباس: روزی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم و ایشان به من فرمود: ای فرزند، آیا کلماتی را به تو نیاموزم که خداوند به وسیله آنها تو را برخوردار گرداند؟
گفتم: چرا.

فرمود: پس آنها را نگاه دار، که خدا نگهداری ات می کند... و بدان که صبر بر آنچه نمی پسندی، خیر بسیار دارد و پیروزی در پی صبر است و گشایش با گرفتاری، و با هر سختی آسانی است. 105.
کفاره غیبت

امام صادق علیه السلام: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: کفاره غیبت کردن چیست؟
فرمود: هر گاه شخص غیبت شده را یاد کنی، برایش از خدا آمرزش خواهی. 106.

این توکل نیست

رسول خدا صلی الله علیه و آله به عده ای که کشاورزی نمی کردند، فرمود: شما چه کاره اید؟
گفتند: ما توکل کنندگانیم.

فرمود: نه، شما سر بار دیگرانید. 107.

جز پاک را نمی پذیرد

جابر، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود: نفرین خدا بر شراب و شراب خوار و شراب ساز و ساقی و فروشنده شراب و کسی که از آن ارتزاق می کند.

در این هنگام اعرابی ای برخاست و گفت: ای رسول خدا، کار من خرید و فروش شراب است و از این راه مالی کسب کرده ام، آیا اگر با این مال، در راه خدا عملی انجام دهم، به من نفعی خواهد رسید یا نه؟

فرمود: اگر همه آن را در راه حج و جهاد خرج کنی، به اندازه بال مگسی ارزش نخواهد داشت، «**إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا**
الطَّيِّبَ 108؛ زیرا خداوند جز پاک و حلال را نمی پذیرد».

مردانگی همین است

رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردی از قبیله ثقیف فرمود : مردانگی در میان شما چیست؟
گفت : اصلاح دین و معیشت، و سخاوت نفس و اخلاق نیک .

فرمود : در میان ما نیز چنین است . 109

از خدا باید ترسید

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ یک از شما نباید خود را کوچک کند .

گفتند : چگونه یکی از ما خود را کوچک می کند؟

فرمود : به این که گاه می بیند باید مطلبی را بگوید، اما نمی گوید . پس خدای عزوجل در روز قیامت می فرماید : چه چیز باعث شد که آن مطلب را نگویی؟ می گوید : ترس از مردم» . خدا می فرماید : «فَأَيُّكُمْ كُنْتَ أَحَقَّ أَنْ تَخْشَى 110 ؛ سزاوارتر آن بود که از من می ترسیدی» .

زیاد کننده روزی چیست؟

کسی به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد : دوست دارم روزی ام زیاد شود .

فرمود : پیوسته با طهارت و پاکیزه باش که روزی ات فراوان می شود . 111

معنای دوراندهی

امام باقر علیه السلام : از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند : دوراندهی چیست؟

فرمود : مشورت کردن با صاحب نظران و پیروی از رأی آنها . 112

ضمانت بهشت

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هر کس پنج چیز را برای من بر عهده گیرد، بهشت را برایش ضمانت می کنم .

گفتند : آن پنج چیز کدامند، ای رسول خدا؟

فرمود : خلوص و بی ریایی با خدای عزوجل، خلوص و بی ریایی با رسول او، خلوص و بی ریایی با کتاب خدا، خلوص

و بی ریایی با دین خدا، و خلوص و بی ریایی با مسلمانان . 113

کدام مردگان؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله : از همنشینی با مردگان پرهیزید .

گفتند : آن مردگان کیستند، ای رسول خدا؟

فرمود : هر توانگری که توانگری اش او را گستاخ کرده باشد . 114

همسرت کارگزار خدا است

مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت : زنی دارم که چون وارد خانه می شوم به استقبالم می آید و چون بیرون می روم، همراهی ام می کند و چون مرا غمگین می بیند، می گوید اگر غصه رزق و روزی می خوری که خدا آن را می رساند و اگر غم و غصه آخرت را داری، پس خداوند آن را بیفزاید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : خدای عزوجل کارگزارانی دارد که همسر تو از جمله آنها است «وَلَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ 115 ؛ و نیمی از پاداش شهید برای او است» .

ازدواج، چاره نیازمندی

اسحاق بن عمار : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : آیا درست است که می گویند مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و از نیازمندی خود شکوه نمود و آن حضرت او را به ازدواج امر فرمود . و بار دیگر نزد آن حضرت آمد و از نداری خود گله کرد و حضرت باز او را به ازدواج کردن دستور داد و این کار تا سه بار تکرار شد؟ امام علیه السلام فرمود : آری، درست است (سپس فرمود :) روزی انسان، با زن و فرزند می رسد. 116

چگونه مالی را به دست آوریم؟

روایت شده که چون آیه «الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ 117 ؛ کسانی که طلا و نقره را جمع و ذخیره می کنند» نازل گردید، پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار فرمود : طلا و نقره نابود باد .

گفتند : چگونه مالی را به دست آوریم؟

فرمود : زبانی سپاسگزار و دلی شکسته و «زَوْجَةٌ تُعِينُ أَحَدَكُمُ عَلَى دِينِهِ 118 ؛ همسری را که شما را در دینتان یاری کند» .

از آن بیرهیزید

رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به مردم، فرمود : از سبزه روییده در زباله ها بیرهیزید .

گفتند : سبزه روییده در زباله ها چیست؟

فرمود : «الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَبَتِ السُّوءِ 119 ؛ زن زیبایی که در خانواده ای فاسد پرورش یافته است» .

پسندیدگی حج به چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پاداش حج نیک و پسندیده، فقط بهشت است.

گفتند: نیکی و پسندیدگی حج به چیست؟

فرمود: «طَيْبُ الْكَلَامِ وَ إِطْعَامُ الطَّعَامِ 120؛ به سخن زیبا و پاک، و طعام دادن [به گرسنگان]».

حق شوهر بر زن

امام باقر علیه السلام: زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: حق مرد بر زن چیست، ای پیامبر خدا؟

فرمود: این است که «تَطِيعُهُ وَ لَا تَعْصِيه»؛ او را پیروی کند و با او مخالفت نرزد» و بی اجازه اش چیزی از مال او را صدقه ندهد و روزه مستحبی نگیرد، «وَ لَا تَمْنَعُهُ نَفْسَهَا وَ اِنْ كَانَتْ عَلٰى ظَهْرٍ قَتَبٍ؛ و مانع لذت بردن او از خود نشود اگر چه بر پشت مرکب باشد» و بی اذن او از خانه اش بیرون نرود که اگر چنین کند، تا برمی گردد، فرشتگان آسمان و زمین، و ملائکه غضب و رحمت پیوسته او را لعنت کنند.

گفت: چه کسی بیشترین حق را بر زن دارد؟

فرمود: شوهرش. 121.

حق زن بر شوهر

گویند همسر معاذ بن جبل به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا، حق زن بر همسرش چیست؟

فرمود: این است که او را نزند و زشت نگوید و از آنچه می خورد به او نیز خوراک دهد و با آنچه خود را می پوشاند، او را بیوشاند، «وَ لَا يَهْجُرُهَا 122؛ و او را تنها نگذارد».

ذمه خود را رها کنید

در حدیث است که روزی جنازه ای آوردند تا پیامبر صلی الله علیه و آله و الهیبر آن نماز بگذارد، فرمود: آیا این مرده، وامی بر عهده ندارد؟

گفتند: چرا، دو درهم مقروض بوده.

فرمود: پس خود نمازش را بخوانید.

در این هنگام علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا، شما بر او نماز بگذارید، من آن دو درهم را می پردازم.

پیامبر صلی الله علیه و آله نماز میت را خواند و رو به علی علیه السلام کرد و فرمود: خدایت از اسلام جزای خیر دهد و رهایی ات بخشد، همچنان که عهده برادر دینی ات را آزاد کردی. 123.

نشانه های نعمت کو؟

در حدیث ابوالاحوص است که گفت : یک روز با سر و وضعی نامرتب و لباس هایی مندرس و پاره، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم، به من فرمود : تو را مال و ثروتی نیست؟
گفتم : چرا، هر چه خواسته ام، خدایم عطا کرده است .
فرمود : خداوند که به بنده اش نعمتی می دهد، «أَحَبُّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ آثَارَ نِعْمَتِهِ 124» ؛ دوست دارد آثار آن نعمت را در او مشاهده کند» .

آیا سپاسگزار نباشم؟

امام باقر علیه السلام : عایشه گفت : ای رسول خدا، چرا این همه خود را [در عبادت] به سختی می افکنید در حالی که خداوند گناهان گذشته و آینده شما را آمرزیده است؟
فرمود : «أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا 125» ؛ آیا بنده سپاسگزاری نباشم؟»

در وصف شکیبایان

مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید : شکیبایان کیستند؟
فرمود : کسانی که در راه اطاعت خدا و ترک معصیت صبر پیشه می کنند ؛ کسانی که دست آورد حلال دارند و به اعتدال اتفاق می کنند و زیادی مال را می بخشند، پس رستگار و کامیاب می شوند . 126

چه کسی بهترین است؟

روایت است که دوستانی در سفر بودند . پس از بازگشت، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند : ما در این سفر بهتر از فلان کس ندیدیم که روزها روزه بود و چون رحل اقامت می افکندیم، به نماز می ایستاد، تا دوباره به راه می افتادیم .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : وسایل سفر او را که آماده می کرد و چه کسی کارهایش را انجام می داد؟
گفتند : ما .

فرمود : «كُلُّكُمْ أَفْضَلُ مِنْهُ 127» ؛ همه شما، از او بهتر و ارجمندترید» .

منبر نشینان نور

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : آیا شما را خبر ندهم از کسانی که نه جزو پیامبرانند و نه از شهیدان، با این همه، در

روز قیامت، مردم به خاطر مقام و مرتبه نزدیکشان به خداوند بر منبرهایی از نور، به آنها غبطه می خوردند؟
گفتند : آنان کیستند، ای رسول خدا؟

فرمود : کسانی که بندگان خدا را محبوب خدا قرار می دهند و خدا را محبوب بندگانش می سازند .

گفتند : خدا را محبوب بندگان قرار دادن درست، اما آنها چگونه بندگان را محبوب خدا می گردانند؟

فرمود : «يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ، وَيَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُ اللَّهُ» 128 ؛ بندگان را به آنچه مورد پسند خدا است، امر می کنند و از آنچه او نمی پسندد، باز می دارند». پس هر گاه بندگان آنان را پیروی کنند، محبوب خدا می شوند و خدا دوستشان می دارد .

قوی ترین شما کیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار عده ای که سنگی را بلند می کردند، گذشت و به آنان گفت : این چه کاری است؟
گفتند : می خواهیم بدانیم که قوی تر است .

فرمود : می خواهید بگویم که قوی ترین شما کیست؟

گفتند : آری، ای رسول خدا .

فرمود : قوی ترین شما کسی است که چون به خشنودی رسد، خشنودی اش او را به گناه و باطل نیندازد، و چون

خشمگین شود، خشمش او را از سخن حق باز ندارد، و چون بر کسی مسلط شود، با او به ناحق رفتار ننماید . 129

چه کسانی برگزیده اند؟

امام باقر علیه السلام : از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره بندگان برگزیده خدا سؤال کردند .

فرمود : عبارتند از کسانی که چون نیکی کنند، خوشحال شوند و چون بدی نمایند، آمرزش بخواهند و چون عطایی یابند،

سیاسگری کنند و چون گرفتار شوند، صبوری ورزند و چون به خشم آیند، چشم پوشی کنند . 130

خردمند کیست؟

امام باقر علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : بهترین شما، خردمندانند .

گفتند : خردمندان، کیانند؟

فرمود : آنها دارای خوی های نیک و اندیشه های متین و اهل صلح ارحام و نیکی به پدر و مادر و احوال پرسی از فقیران و همسایگان و یتیمانند، و طعام می دهند و سلام را در جهان آشکار می کنند و آنگاه که مردم در خوابند، به نماز می ایستند

131.

شبيه ترين شما به من

امام صادق عليه السلام : پيامبر صلى الله عليه و آله فرمود : آيا نگويم كه شبيه ترين شما به من كيست؟
گفتند : چرا، اى رسول خدا .

فرمود : خوش اخلاق ترين شما، و نرم خوترين شما، و نيكوكارترين شما به نزديكان، و كسى كه نسبت به برادرانش محبت
بيشتر دارد و بر حق شكيباتر است و بيشتر كظم غيظ مى كند و خوش گذشت ترين شما و كسى كه در حال خشنودى و
خشم، بيشترين انصاف را از خود بروز مى دهد. 132.

سايه نشينان عرش

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود : سبقت جويندگان به سايه سار عرش، خوشا به سعادتشان .
گفتند : آنان كيستند، اى رسول خدا؟

فرمود : كسانى كه چون حق را بشنوند، آن را بپذيرند و چون به آن دست پيدا كنند، در اختيار ديگران قرارش دهند] و
بُخل نوزند]، و درباره مردم همان گونه قضاوت كند كه درباره خود ؛ اينان سبقت جويندگان به سايه سار عرش خدايند
133.

غريبانِ مصلح

على عليه السلام : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود : اسلام در آغاز غريب بود و در آينده نيز، مانند آغازش، غريب
خواهد شد . پس خوشا به حال غريبان .
گفتند : آنها كيستند، اى رسول خدا؟

فرمود : «الَّذِينَ يُصْلِحُونَ إِذَا فَسَدَ النَّاسُ؛ كسانى كه چون مردم فاسد شوند، به اصلاح پردازند». 134.

دانش چيست؟

مردى خدمت رسول خدا صلى الله عليه و آله رسيد و گفت : اى رسول خدا صلى الله عليه و آله دانش چيست؟
فرمود : خاموش گزیدن براى [آموختن] آن .

گفت : سپس چه؟

فرمود : گوش سپردن بدان .

گفت : ديگر چه؟

فرمود : حفظ و نگهدارى آن .

گفت : سپس چه؟

فرمود : عمل کردن به آن .

گفت : دیگر چه؟

فرمود : نشر [و آموختن] آن [به دیگران] . 135.

چگونه دانش را مهار کنیم؟

عبدالله بن عمر : به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم : آیا دانش را می توان مهار کرد؟

فرمود : آری .

گفتم : وسیله مهار کردنش چیست؟

فرمود : «کِتَابُتُهُ¹³⁶ ؛ نوشتن و یادداشت کردن آن» .

دانشمند حقیقی

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : آیا نگویم که دانشمند کامل و حقیقی کیست؟

گفتند : بفرمایید، ای رسول خدا .

فرمود : کسی که نه مردم را از رحمت خدا ناامید سازد و نه آنها را از مکر او مطمئن گرداند و نه از یاری خدا مأیوسشان

کند و نه به خاطر پرداختن و میل به امور دیگر، قرآن را واگذارد . 137.

مؤمن بی دین

امام صادق علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : خدای عزوجل از مؤمن ناتوانی که دین ندارد متنفر است .

گفتند : آن مؤمنی که دین ندارد، کیست؟

فرمود : «الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ¹³⁸ ؛ کسی که از کارهای ناپسند نهی نمی کند» .

حق راه و رهگذر

ابوسعید خدری : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : از نشستن در راه ها و سر گذرها بپرهیزید .

گفتند : ای رسول خدا، از نشستن در این مکان ها و سخن گفتن با هم چاره ای نداریم .

فرمود : حال که چنین است، پس حق راه را ادا کنید .

گفتند : حق راه چیست، ای رسول خدا؟

فرمود : «غَضُّ الْبَصَرِ وَ كَفُّ الْأَذْيِ، وَ رَدُّ السَّلَامِ، وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ 139 ؛ نگاه حرام نکردن و آزار نرساندن و پاسخ گفتن سلام و امر به معروف و نهی از منکر نمودن» .

دنیای بی ارزش

امام صادق علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار بزغاله گوش بریده و مرده ای که در زباله دانی افتاده بود، گذشت . پس رو به اصحابش کرد و فرمود : آن بزغاله به چند می ارزید؟ گفتند : اگر زنده بود، یک درهم نیز نمی ارزید .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : به خدایی که جانم در دست او است سوگند که دنیا نزد خدای تعالی از این بزغاله نزد صاحبش، بی ارزش تر است . 140

شوخی بی جا

ابوالحسن از شرکت کنندگان در پیمان عقبه و جنگ بدر : با رسول خدا صلی الله علیه و آله نشستیم بودیم . یکی از ما برخاست و رفت و کفش هایش را فراموش کرد . یک نفر آنها را برداشت و زیر خود گذاشت . مرد برگشت و گفت : کفش هایم؟

گفتند : ما آنها را ندیدیم .

کسی که کفش ها را برداشته بود، گفت : کفش هایت اینجا است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : ترساندن مؤمن یعنی چه؟

گفت : می خواستم با او شوخی کنم، ای رسول خدا .

پیامبر صلی الله علیه و آله - دو یا سه بار - فرمود : «فَكَيْفَ بَرُوعَةِ الْمُؤْمِنِ 141 ؛ ترساندن مؤمن چه معنا دارد» .

بهترین قاری کیست؟

از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند : بهترین قاری قرآن کیست؟

فرمود : کسی که هرگاه قرآن خواندنش را بشنوی، ببینی که از خدا نیز می ترسد . 142

کتاب هدایت

چون به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته شد که امتت گرفتار فتنه خواهند شد، عده ای پرسیدند : راه خروج از آن فتنه ها چیست؟

فرمود : کتاب شکوهمند خدا که باطل نه از پیش رو و نه از پشت سر به آن راه ندارد ؛ از سوی خدای حکیم و حمید نازل

شده و هر کس دانش را در غیر آن بجوید، خدایش گمراه سازد. 143

بخش دوم

پیام های پیامبر 144 صلی الله علیه و آله

1. وقتی دعوت شدید، آن را بپذیرید .
2. منفورترین مردان نزد خدا، مرد لجبازِ ستیزه جو است .
3. خدا را بیای و هیچ کار نیکی را کوچک مشمار اگر چه ریختن آب در طرف تشنه ای باشد، یا اینکه با برادر خویش با روی گشاده دیدار کنی .
4. از محرمات پرهیز تا عابدترین مردم باشی، و به آنچه خدا برایت قرار داده خرسند بباش تا بی نیازترین مردم به شمار آیی .
5. پرهیزکارترین مردم کسی است که حق را در آنچه به نفع یا به ضرر او است، بگوید .
6. هر جا هستی تقوای خدا را پیشه کن و به دنبال گناه نیکی به جای آور تا آن را بزداید، و با مردم با خلق نیکو رفتار نما .
7. در روز قیامت، خداوند به دو کس نمی نگرد: آن که پیوند خویشاوندی را بریده، و همسایه بد .
8. از شراب پرهیزید که کلید همه بدی ها است .
9. دو گناه را خداوند در این جهان کیفر می دهد: تجاوز به حقوق دیگران و نافرمانی پدر و مادر .
10. محبوب ترین کارها نزد خداوند، با دوام ترین آنها است اگر چه اندک باشد .
11. دوستت را در حد معمول دوست بدار، شاید روزی دشمن تو شود، و با دشمنت در حد معمول دشمنی کن، شاید روزی دوست تو گردد .
12. بهترین خوراک نزد خدا آن است که عده بسیاری از آن بخورند .
13. برای مردم چیزی را بخواه که برای خود می خواهی .
14. دوستی پدرت را نگاه دار و رشته آن را مبر که [در غیر این صورت] خدا نور [زندگی ات] را خاموش می کند .
15. بدترین چیزی که از آن بر امت خود می ترسم شکم پرستی و پرخوابی و تنبلی و سستی یقین است .
16. دین خود را برای خدا خالص کن تا کار اندک تو را بس باشد .

- 17 . با کسی که تو را امانت دار دانسته، به امانت رفتار کن و با آن که به تو خیانت کرده، خیانت مکن .
- 18 . هر گاه خواستی عیوب دیگران را ذکر کنی، نخست عیوب خود را به یاد آر .
- 19 . وقتی مصیبت زدگان را می بینید، از خدا عافیت بخواهید .
- 20 . هر گاه یکی از شما مورد مشورت قرار گیرد، نظر خود را صریح بگوید .
- 21 . هر گاه بنده از خدا بترسد، خدا همه چیز را از او می ترساند، ولی اگر از خدا نترسد، خدا او را از هر چیزی می ترساند .
- 22 . وقتی در برادر خود سه صفت حیا و امانت و راستی را دیدی، به او امیدوار باش، وگرنه امیدوارش مباش .
- 23 . وقتی یکی از شما کاری انجام می دهد، باید محکم کاری کند .
- 24 . وقتی بر دشمن خود دست یافتی، به شکرانه آن، او را ببخش .
- 25 . وقتی دو نفر آهسته با هم سخن می گویند، نزدیکشان مرو .
- 26 . هر گاه یکی از شما برای برادر خود نصیحتی در خاطر دارد، به او یادآوری کند .
- 27 . وقتی در مجلسی بد کسی را می گویند و تو در آنجا هستی، آن شخص را یاری کن و مردم را از بدگویی او بازدار و از آن مجلس برخیز .
- 28 . ذلیل ترین مردم کسی است که به دیگران اهانت کند .
- 29 . به آنان که در زمینند رحم کن تا آنان که در آسمانند به تو رحم کنند .
- 30 . از خوشی های دنیا چشم بپوش تا خدایت دوست بدارد، و از آنچه در دست مردم است چشم پوشی کن تا مردم دوستت بدارند .
- 31 . از مردم بی نیازی بجویید، و یک قطعه چوب مسواک هم از آنها بخواهید .
- 32 . آسان بگیر، تا بر تو آسان بگیرند .
- 33 . دعایی زودتر به اجابت می رسد که یکی پشت سر دیگری کند .
- 34 . شجاع ترین مردم کسی است که بر هوس خود چیره گردد .
- 35 . مهربان باشید تا شما را بستانند و پاداش یابید .
- 36 . مردم را آشتی دهید، اگر چه دروغ بگویید .
- 37 . سپاسگزارترین مردم [در برابر خدا] کسی است که بیشتر سپاسگزار مردم باشد .
- 38 . کار دنیای خویش را سامان دهید و برای آخرت خود چندان بکوشید که گویی فردا خواهید مرد .
- 39 . عافیت را برای دیگری طلب کن تا نصیب خودت شود .
- 40 . خدا را چنان عبادت کن که گویی او را می بینی، که اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند .

- 41 . ناتوان ترین مردم کسی است که در کار دنیا ناتوان باشد، و بخیل ترین مردم کسی است که در سلام کردن بخل بورزد .
- 42 . خطرناک ترین دشمن تو نفس تو است که در اندرون تو جای دارد .
- 43 . پر ثواب ترین عبادت ها، نهان ترین آنها است .
- 44 . مایه آزار و اذیت را از سر راه مسلمانان بردار .
- 45 . گرانقدرترین مردم در دنیا کسی است که دنیا در نظرش قدر و منزلت ندارد .
- 46 . عاقل ترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند .
- 47 . بهترین دوستان کسی است که چون [خدا را] یاد کنی، یاری ات کند و چون از یادش ببری، او را به یادت آورد .
- 48 . ارزش کارها، بسته به نیت و سرانجام آنها است .
- 49 . بهترین نوع ایمان آن است که بدانی هر جا هستی خدا با تو است .
- 50 . حق را از هر کوچک و بزرگ که شنیدی، بپذیر اگر چه دشمن و بیگانه باشد، و ناحق را از هر کوچک و بزرگ که شنیدی، قبول مکن اگر چه دوست و نزدیک باشد .
- 51 . مرگ را فراوان یاد کن که یاد کرد آن، تو را از رنج های دیگر بی خیال می گرداند .
- 52 . دانشمندان را گرامی بدارید که وارثان پیامبرانند، و هر کس آنها را تکریم نماید، خدا و رسولش را گرامی داشته است .
- 53 . چه بسا که یک ساعت شهوت، اندوهی طولانی بر جای می نهد .
- 54 . کسی که سخن حقی می داند، ترس از مردم نباید او را از گفتن آن بازدارد .
- 55 . خدایا، چنان که صورتم را نیکو آفریدی، سیرتم را نیز نیکو نما .
- 56 . میان افراط و تفریط راهی است، و بهترین کارها معتدل ترین آنها است .
- 57 . برادرت را، ظالم باشد یا مظلوم، یاری ده ؛ اگر ظالم بود، او را از ستم بازدار، و اگر مظلوم بود، یاری اش کن .
- 58 . به پایین تر از خود بنگرید و به بالاتر از خود منگرید که اینگونه قدر نعمت خدا را بهتر می دانید .
- 59 . حیا و ایمان با همدن چون یکی را بگیرند، دیگری هم برود .
- 60 . هر یک از شما آئینه برادر خویش است، پس هر گاه عیبی در او دید، باید آن را بزداید .
- 61 . پشیمان ترین مردم در روز قیامت کسی است که آخرتش را به دنیای دیگری فروخته است .
- 62 . سیرترین مردم در دنیا، در قیامت گرسنگی اش بیشتر و طولانی تر است .
- 63 . شیطان با انسان تنها است، و از دو نفر دورتر است .
- 64 . بیشترین چیزی که مردمان را بهستی می کند، تقوای الهی و خوش اخلاقی است .

65. خشم از شیطان است و شیطان از آتش، و آتش با آب خاموش می شود. پس هر گاه یکی از شما خشمگین شود، وضو بگیرد.
66. خدا غیرتمند است و مرد غیرتمند را دوست دارد.
67. خداوند سعی و کوشش را بر شما لازم داشته است، پس بکوشید.
68. خداوند به جوان عابد، بر فرشتگان مباحثات می کند و می فرماید: بنده ام را بنگرید که به خاطر من از شهوت خود چشم پوشی کرده است.
69. خداوند از کسی که در مقابل برادران خود عبوس باشد، متنفر است.
70. خداوند جوان توبه کننده را دوست می دارد.
71. خدای تعالی فرماید: من با گمان بنده خویش همراهم، اگر به من گمان نیک برد، نیکی بیند و اگر گمان بد برد، بدی بیند.
72. خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد.
73. خدای عزوجل دروغ برای صلح و آشتی را دوست می دارد و از راست گفتن در جهت فساد بیزار است.
74. بی شک خداوند شما را از گفت و گوهای بیهوده نهی کرده است.
75. مسلمان وقتی به عیادت برادر مسلمان خود می رود، تا باز می گردد، پیوسته در باغستان های بهشت است.
76. نخستین پاداشی که مؤمن پس از مرگش دریافت می کند این است که همه تشییع کنندگانش آمرزیده می شوند.
77. اخلاق نیکو گناهان را آب می کند، همچنان که خورشید یخ را.
78. رعایت عهد و پیمان، نشانه ایمان است.
79. بدترین افراد نزد خدا در روز قیامت کسی است که مردم به خاطر بد زبانی اش از او دوری کنند.
80. کار اندک توأم با علم، بسیار است و کار بسیار توأم با نادانی، اندک.
81. شما با اموالتان نمی توانید دل همه مردم را به دست آورید، پس با اخلاق خود، آنها را خرسند کنید.
82. از موارد اسراف این است که هر چه می خواهی، بخوری.
83. هر که از خدا چیزی نخواهد، خداوند بر او خشم می گیرد.
84. این دین محکم و استوار است، پس به آرامی در آن پیش برو و عبادت خدا را منفور خود مساز که رهرو عجول، نه راهی سپرده و نه مرکوب خود را حفظ کرده است.
85. از امروز فردا کردن و آرزوی دراز بپرهیزید که اسباب هلاک امت ها بوده است.
86. علاج نادانی، پرسیدن است.
87. از شراب بپرهیزید که گناهایش گناهان در پی می آورد، همچنان که از درختش درختان می روید.

- 88 . از هوی و هوس بیرهیزید که انسان را کور و کر می کند .
- 89 . از هر کاری که سرانجامش عذرخواهی است، دوری کن .
- 90 . از رفیق بد بیرهیز که تو را به او می شناسند .
- 91 . هر کس کاری از امور مسلمانان را به دست گیرد و در آن کار مانند کارهای خود احتیاط و دوراندیشی نکند، بوی بهشت را نشنود .
- 92 . هر جوانی در آغاز جوانی اش ازدواج کند، شیطانش فریاد برآورد : وای بر او که دینش را از دستبرد من دور گرداند .
- 93 . امرکننده به کار نیک، مانند انجام دهنده آن است .
- 94 . ایمان به تقدیر الهی، غم و اندوه را می برد .
- 95 . چهار چیز را پیش از چهار چیز غنیمت شمار : جوانی ات را پیش از پیری، سلامتی ات را پیش از بیماری، بی نیازی ات را پیش از تنگدستی، و زندگی ات را پیش از مرگ .
- 96 . چه بد مردمی اند کسانی که مهمان به خانه نمی آورند .
- 97 . با پدران خود نیکی کنید تا فرزندان با شما نیکی کنند، و عفت بورزید تا زنان عفت باشند .
- 98 . فاصله بین بنده و کفر، ترک نماز است .
- 99 . پرخوری، دل را سخت و بی رحم می کند .
- 100 . مداوا کنید که بی شک کسی که درد را فرستاده، دوا را نیز داده است .
- 101 . زن بگیرد که زنان توانگری می آورند .
- 102 . یکدیگر را ببخشید تا کینه هایتان از میان برود .
- 103 . دانش بیاموزید و با آن، آرامش و وقار فرا بگیرید و در برابر کسی که از او یاد می گیرید، فروتنی کنید .
- 104 . هر چه را می خواهید بیاموزید که خداوند شما را از دانش منتفع نمی سازد مگر اینکه به آنچه آموخته اید، عمل کنید .
- 105 . کمال خوبی آن است که در نهان همان عمل [و عبادتی] را انجام دهی که در میان مردم به جای می آوری .
- 106 . به یکدیگر هدیه بدهید که محبت را می افزایشد و دل آزردها را می برد .
- 107 . فروتنی در برابر حق نزدیک تر است به عزت، از عزت طلبیدن به باطل .
- 108 . سزاوار است که انسان گاه با خود خلوت کند و گناهایش را به یاد آورد و برای آنها از خدا آمرزش بخواهد .
- 109 . شیرینی دنیا، تلخی آخرت و تلخی دنیا، شیرینی آخرت است .
- 110 . دو رکعت نماز کسی که ازدواج کرده بهتر است از هفتاد رکعت نماز انسان بی زن .

- 111 . قبرها را زیارت کنید که آخرت را به یادتان می آورد .
- 112 . جوان سخاوتمند خوش اخلاق، نزد خدا از پیرمرد بخیلِ پارسایِ بد اخلاق محبوب تر است .
- 113 . بدترین غذاها غذای ولیمه است که آدم های سیر را بدان دعوت می کنند و گرسنگان را از آن باز می دارند .
- 114 . صله رحم عمر را طولانی می کند و مرگ بد را دور می سازد .
- 115 . گنهکار امیدوار به رحمت خدای تعالی از عابد ناامید، به رحمت الاهی نزدیکتر است .
- 116 . چیزی را به قرض دادن، بهتر است از صدقه دادن آن .
- 117 . زیادیِ خنده، دل را می میراند .
- 118 . در دنیا چنان باش که گویی غریب یا رهگذری، و خود را از مردگان به شمار آر .
- 119 . به نیکی ها فرمان دهید و از بدی ها باز دارید، یا [منتظر باشید که] خداوند بدانتان را بر شما مسلط کند، پس خوبانتان دعا کنند و پاسخ داده نشوند .
- 120 . هیچ کاری را برای فردا مگذار که هر روزی تکلیف خاص خود را دارد .
- 121 . مؤمن، طعنه زن و لعنت کن و بد زبان و ناسزاگو نیست .
- 122 . هیچ کس با مشورت بدبخت نگردد و با خود رأیی به سعادت نرسید .
- 123 . خدای تعالی به هیچ کاری پر فضیلت تر از دانایی در دین، عبادت نشده است .
- 124 . اندکی که بس باشد بهتر است از بسیاری که سرگرمی و غفلت آورد .
- 125 . هر که عیب برادر خود را بپوشاند، خداوند در دنیا و آخرت عیوبش را می پوشاند .
- 126 . هر کس میان خود و خدایش را نیکو سازد، خداوند رابطه او و مردم را اصلاح کند و هر کس درون خود را درست کند، خداوند ظاهرش را به صلاح آورد .
- 127 . هر که بار خویش بر دوش مردم افکند، مورد نفرین است .
- 128 . از جمله بهترین کارها خوشحال کردن مؤمن است به پرداختن وام او، برآوردن حاجتش، و برطرف کردن اندوهش .
- 129 . مادام که خواندن قرآن تو را از بدی ها باز می دارد، آن را بخوان و اگر باز نمی دارد، بدان که به حقیقت قرآن نمی خوانی .
- 130 . از دوستی با احمق بپرهیز که می خواهد تو را سود دهد، زبان می رساند .

کتابنامه

- 2 . حسن طبرسي، إعلام الوری باعلام الهدی، تهران، العلمیه اسلامیه .
- 3 . شیخ مفید، الاختصاص، تحقیق علی اکبر الغفاری، قم : انتشارات اسلامیه .
- 4 . محمد یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران : دارالکتب الاسلامیه، 1367 .
- 5 . ابی جعفر صدوق، الامالی، قم : انتشارات اسلامیه .
- 6 . عبدالعظیم منزوی، الترغیب والترهیب من حدیث الشریف، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- 7 . ابی جعفر صدوق، التوحید، تصحیح و تعلیق سید هاشم حسینی طهرانی، قم : منشورات جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه .
- 8 . عبدالله بن جعفر حمیری، الجعفریات، تهران، کوشان پور.
- 9 . محمد بن مرتضی اخباری، الذرر فی البحار المصطفی، بی نا، بی جا، بی تا .
- 10 . الحسین بن السعید الکوفی الاهواری، الزهد، التحقیق میرزا غلامرضا عرفانیان، قم : العلمیه .
- 11 . ابن البطریق الاسدی الحلی، العمده، قم : انتشارات اسلامیه .
- 12 . احمد بن محمد بن خالد البرقی، المحاسن، تهران : دار الکتب الاسلامیه .
- 13 . محسن فیض کاشانی، المحجة البيضاء، بیروت : اعلمی .
- 14 . ابن شهر آشوب، المناقب و آل ابی طالب، نجف : مطبعة حیدریه .
- 15 . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، تهران : دار الکتب الاسلامیه .
- 16 . الحلی بصائر الدرجات، بیروت : دارالسرور .
- 17 . احمد بن ابی یعقوب ابی واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بیروت : دارصادر .
- 18 . النضر محمد بن مسعود بن عیاش السلمی السمرقندی، تفسیر العیاشی، بیروت، النور للمطبوعات .
- 19 . ابی القاسم فرات بن ابراهیم الکوفی، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمد کاظم، تهران : وزارت ارشاد .
- 20 . ورام، تنبیه الخواطر، بیروت : الاعلمی للمطبوعات .
- 21 . سبزواری، جامع الاخبار، بیروت : دار احیاء التراث العربی .
- 22 . ابی جعفر صدوق، خصال، تحقیق علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامیه .
- 23 . محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ترجمه : احمد مجیدی، تهران : دلیل ما .
- 24 . سید محمد حسین طباطبائی، سنن النبی، ترجمه لطیف راشدی، قم : همگرا .
- 25 . عبدالحمید ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیه .
- 26 . ابو عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری، صحیح بخاری، بیروت : دار المعرفه .
- 27 . محمد بن علی بن بابویه صدوق، علل الشرائع، ترجمه سید محمد جواد ذهنی طهرانی، قم : مؤمنین .

- 28 . محسن فيض كاشاني، علم اليقين في اصول الدين، قم، بيدار.
- 29 . ابن ابي جمهورى الاحسائي، عوالى اللالى العزيزيه فى الاحاديث الدينيه، التحقيق السيد مرعشى، قم، سيدالشهدا .
- 30 . فروع الكافى، بى نا، بى جا، بى تا .
- 31 . محمد بن طاووس، فلاح السائل، بى جا، بى تا .
- 32 . الخزاز القمى الرازى، كفاية الاثر فى النص على الائمة الاثنى عشر، تحقيق عبداللطيف الحسينى، قم: بيدار.
- 33 . محمدرضا حكيمى، كلام جاودانه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامى.
- 34 . علاء الدين على المتقى الهندى، كنز العمال، تحقيق شيخ بكرى حياى، بيروت : مؤسسه الرساله .
- 35 . ابن منصور حلى، كنز جامع الفوائد والدافع المنافع، بى نا، بى جا، بى تا .
- 36 . محمد نبى تويسركانى، لئالى الاخبار، بى نا، بى جا، بى تا .
- 37 . حسين نورى، مستدرک الوسائل، بيروت : مؤسسه آل البيت لاحياء التراث العربى .
- 38 . محمد بن ادريس الحلى، مستطرفات السرائر، قم : انتشارات اسلامى .
- 39 . شهيد ثانى، مسكن الفؤاد، ترجمه حسين جناتى شاهرودى، قم : دانش .
- 40 . الطبرسى، مشكاة الانوار، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات .
- 41 . عباس عزيزى، مصباح الشريعه و مفتاح الحقيقه، انتشارات صلاة .
- 42 . ابى جعفر صدوق، معانى الاخبار .
- 43 . حسن بن سليمان حلى، منتخب البصائر الدرجات، بى نا، بى جا، بى تا .
- 44 . ابى جعفر صدوق، من لا يحضره الفقيه، قم : جامعه مدرسين، 1413 هـ . ق .
- 45 . محمد محمدى رى شهرى، ميزان الحكمه، ترجمه حميدرضا شيخى، قم : دارالحديث، ويرايش سوم، 1377 .
- 46 . احمد محمود صبحى، نظريه الامامه عند الاثنى عشريه، قاهره: دارالمعارف.
- 47 . محمد بن حسن حرّ العاملى، وسائل الشيعه، قم : مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، 1414 .

بى نوشت ها :

1. نهج البلاغه، خطبه 95 .

2. محمدرضا حكيمى، كلام جاودانه، ص 100 .

3. احزاب 33، آیه 21 .
4. بحار الانوار، ج 3، ص 14، ح 36 از جامع الاخبار .
5. الاختصاص، شیخ مفید، ص 40 .
6. عوالی اللالی، ج 2، ص 311 .
7. بحار الانوار، ج 72، ص 106، ح 4 از اصول کافی .
8. اصول کافی، ج 1، ص 129، ح 9 .
9. میزان الحکمه، ج 4، ص 1659 از بحار الانوار، ج 93، ص 322 .
10. میزان الحکمه، ج 10، ص 4711 از المحجة البيضاء، ج 8، ص 195 .
11. بحار الانوار، ج 16، ص 94، ح 28 از الامالی و علل الشرائع و معانی الاخبار .
12. بحار الانوار، ج 43، ص 21، ح 11 از امالی الصدوق .
13. الاختصاص، شیخ مفید، ص 44 .
14. عوالی اللالی، ج 4، ص 64 .
15. نساء 4، آیه 69 .

16. بحارالانوار، ج 8، ص 188، ح 159 .
17. بحارالانوار، ج 27، ص 133، ح 129 از امالی الطوسی .
18. بحارالانوار، ج 36، ص 336، ح 198 .
19. بحارالانوار، ج 37، ص 76، ح 43 از منتخب البصائر .
20. بحارالانوار، ج 23، ص 139 و 130، ح 61 .
21. بحارالانوار، ج 27، ص 102، ح 67 از کنز جامع الفوائد .
22. نور 24، آیه 36 .
23. بحارالانوار، ج 23، ص 325، ح 42 از کنز جامع الفوائد .
24. بحارالانوار، ج 27، ص 82، ح 22 از امالی الطوسی؛ اصول الکافی، ج 2، ص 46، ح 2 .
25. بحارالانوار، ج 24، ص 183، ح 20، از العمده ابن بطریق العلی .
26. بحارالانوار، ج 23، ص 42، ح 83 از امالی الطوسی .
27. بحارالانوار، ج 36، ص 330، ح 189 از کفایة الاثر .
28. نساء 4، آیه 59 .
29. بحارالانوار، ج 23، ص 289، ح 16 از مناقب آل ابی طالب، و إعلام الوری .

30. تحریم 66 ، آیه 4 .

31. بحارالانوار، ج 36، ص 29، ح 6 از امالی الصدوق .

32. بحارالانوار، ج 38، ص 12، ح 17 از منابع اهل سنت .

33. آل عمران 3 ، آیه 103 .

34. بحارالانوار، ج 36، ص 19 و 18، ح 11 از تفسیر فرات الکوفی .

35. واقعه 56 ، آیه 10-11 .

36. بحارالانوار، ج 24، ص 4، ص 13 .

37. معارج 70 ، آیات 1-3 .

38. بحارالانوار، ج 37، ص 173 و 174، ح 60 از تفسیر فرات الکوفی .

39. عوالی اللالی، ج 4، ص 83 .

40. احقاف 46 ، آیه 35 .

41. میزان الحکمه، ج 4، ص 1749 از بحارالانوار، ج 78، ص 18 .

42. بحارالانوار، ج 27، ص 85، ح 29 .

43. روضة الواعظین، ج 2، ص 430.
44. بحار الانوار، ج 6، ص 126، ح 6.
45. بحار الانوار، ج 6، ص 133، ح 32 از مصباح الشریعه .
46. میزان الحکمه، ج 7، ص 3365 از کنز العمال، خ 7639.
47. لتالی الاخبار، ج 5، ص 253 و 262.
48. سنن النبی، ج 5، ص 433، ح 2 از وسایل الشیعه، ج 7، ص 289، ح 2؛ الکافی، ج 4، ص 62، ح 2.
49. عوالی اللالی، ج 1، ص 90.
50. عوالی اللالی، ج 1، ص 90.
51. عوالی اللالی، ج 1، ص 90.
52. الخصال، صدوق، ص 298، ح 8.
53. وسایل الشیعه، ج 3، ص 82، ح 17.
54. عوالی اللالی، ج 1، ص 109.
55. سنن النبی، ج 2، ص 307، ح 6 از مستدرک الوسایل، ج 3، ص 23، ح 1؛ فلاح السائل، ص 22.
56. عوالی اللالی، ج 1، ص 90.

57. اصول الكافي، ج 4، ص 214، ح 3 .
58. اصول الكافي، ج 4، ص 250، ح 12 .
59. غافر 40 ، آيه 60 .
60. الاثنا عشرية، ص 30 .
61. ميزان الحكمه، ج 10، ص 4673 از بحارالانوار، ج 77، ص 63 .
62. اصول الكافي، ج 3، ص 190، ح 6 .
63. اصول الكافي، ج 3، ص 81، ح 4 .
64. اصول الكافي، ج 3، ص 331، ح 25 .
65. اصول الكافي، ج 3، ص 331، ح 19 .
66. بحارالانوار، ج 72، ص 262، ح 40 از محاسن البرقي .
67. سنن النبي، ج 2، ص 195، ح 1 از وسایل الشيعه، ج 2، ص 906، ح 1 ؛ الكافي، ج 2، ص 196، ح 2 .
68. بحارالانوار، ج 67، ص 276، ح 4 از اصول الكافي .
69. مستدرک الوسایل، ج 8، ص 455، ح 4 .

70. میزان الحکمه، ج 2، ص 747 از مستطرفات السرائر، ص 143 .

71. طلاق 65، آیه 2 و 3 .

72. سنن النبی، ج 7، ص 243، ج 18 از مستدرک الوسایل، ج 11، ص 267، ح 15؛ کنز جامع الفوائد، ص 184 .

73. سنن النبی، ج 7، ص 164، ح 1 از وسایل الشیعه، ج 11، ص 22، ح 1؛ الکافی، ج 5، ص 12، ح 3 .

74. میزان الحکمه، ج 4، ص 1909 از کنز العمال، خ 44154 .

75. سنن النبی، ج 7، ص 291، ح 15 از مستدرک الوسایل، ج 11، ص 333، ح 29 .

76. سنن النبی، ج 7، ص 432، ح 3 از مستدرک الوسایل، ج 12، ص 117، ح 1؛ الامالی، ج 2، ص 143 .

77. بصائر الدرجات، ص 500، ح 47 .

78. عوالی اللالی، ج 1، ص 188 .

79. عوالی اللالی، ج 1، ص 94 .

80. سنن النبی، ج 9، ص 210، ح 1 از وسایل الشیعه، ج 15، ص 247، ح 1؛ الکافی، ج 2، ص 120، ح 2 .

81. سنن النبی، ج 9، ص 216، ح 16 از مستدرک الوسایل، ج 15، ص 260، ح 21 .

82. سنن النبی، ج 9، ص 215، ح 8 از مستدرک الوسایل، ج 15، ص 258، ح 10 .

83. سنن النبی، ج 7، ص 271، ح 5 از وسایل الشیعه، ج 11، ص 224، ح 7؛ المحاسن، ص 16، ح 46 .

84. سنن النبی، ج 5، ص 110، ح 9 از وسایل الشیعه، ج 6، ص 24، ح 17؛ الزهد، ص 68، ح 180.

85. اصول کافی، ج 3، ص 175، ح 5.

86. تنبیه الخواطر، ص 105-106.

87. مشکاة الانوار، ص 218.

88. اصول کافی، ج 3، ص 177، ح 14.

89. اصول کافی، ج 4، ص 75، ح 1.

90. بحار الانوار، ج 72، ص 295، ح 19 از معانی الاخبار.

91. اصول کافی، ج 3، ص 233، ح 10.

92. بحار الانوار، ج 74، ص 49، ح 9 از اصول کافی.

93. سنن النبی، ج 9، ص 196، ح 12 از مستدرک الوسایل، ج 15، ص 227، ح 14؛ الامالی، ج 2، ص 149.

94. بحار الانوار، ج 22، ص 84، ح 35 از اصول کافی.

95. میزان الحکمه، ج 3، ص 1185 از شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 315.

96. اصول کافی، ج 4، ص 489، ح 1.

97. ثلثی الاخبار، ج 3، ص 133 و 284 .
98. اصول الکافی، ج 3، ص 239 .
99. اصول الکافی، ج 4، ص 457، ح 1 .
100. اصول الکافی، ج 3، ص 216، ح 10 .
101. میزان الحکمه، ج 13، ص 6449 از کنز العمال، خ 16150 .
102. میزان الحکمه، ج 5، ص 2339 از جامع الاخبار، ص 378 .
103. عوالی اللالی، ج 1، ص 90 .
104. سنن النبی، ج 5، ص 215، ح 4 از مستدرک الوسائل، ج 7، ص 189، ح 4؛ الدرر، ج 1، ص 14 .
105. سنن النبی، ج 2، ص 193، ح 16 از مستدرک الوسائل، ج 2، ص 426، ح 26؛ مسکن الفؤاد، ص 45 .
106. بحار الانوار، ج 75، ص 241، ح 2، از اصول الکافی .
107. میزان الحکمه، ج 14، ص 7067 از مستدرک الوسائل، ج 11، ص 227 .
108. عوالی اللالی، ج 2، ص 110 .
109. میزان الحکمه، ج 11، ص 5511 از تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 98 .
110. میزان الحکمه، ج 8، ص 3725 از الترغیب والترهیب، ج 3، ص 227 .

111. میزان الحکمه، ج 5، ص 2057 از کنز العمال، خ 44156.

112. میزان الحکمه، ج 3، ص 1139 از المحاسن، ج 2، ص 435.

113. میزان الحکمه، ج 2، ص 805 از الخصال، ص 294.

114. میزان الحکمه، ج 2، ص 755 از تنبيه الخواطر، ص 2.

115. عوالی اللالی، ج 3، ص 291.

116. عوالی اللالی، ج 3، ص 281.

117. توبه 9، آیه 34.

118. عوالی اللالی، ج 2، ص 67.

119. میزان الحکمه، ج 5، ص 2261 از بحار الانوار، ج 103، ص 232.

120. عوالی اللالی، ج 4، ص 33.

121. عوالی اللالی، ج 2، ص 142.

122. عوالی اللالی، ج 2، ص 142.

123. عوالی اللالی، ج 2، ص 114.

124. عوالی اللالی، ج 1، ص 113 .
125. اصول الکافی، ج 3، ص 149، ح 6 .
126. میزان الحکمه، ج 6، ص 2971 از بحار الانوار، ج 77، ص 93 .
127. عوالی اللالی، ج 1، ص 127 .
128. سنن النبی، ج 7، ص 484، ح 22 از مستدرک الوسایل، ج 12، ص 182، ح 19 ؛ مشکاة الانوار، ص 136 .
129. سنن النبی، ج 7، ص 340، ح 6 از وسایل الشیعه، ج 11، ص 289، ح 14 ؛ من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 291، ح 878 .
130. سنن النبی، ج 7، ص 181، ح 15 از وسایل الشیعه، ج 11، ص 148، ح 22 ؛ الکافی، ج 2، ص 188، ح 31 .
131. اصول الکافی، ج 3، ص 337، ح 32 .
132. اصول الکافی، ج 3، ص 338، ح 35 .
133. سنن النبی، ج 7، ص 275، ح 7 از مستدرک الوسایل، ج 11، ص 308، ح 3 ؛ الجعفریات، ص 183 .
134. سنن النبی، ج 7، ص 287، ح 6 از مستدرک الوسایل، ج 11، ص 323، ح 2 ؛ الجعفریات، ص 192 .
135. بحار الانوار، ج 2، ص 28، ح 8، از الخصال، صدوق ؛ اصول کافی، ج 1، ص 48، ح 4 .
136. عوالی اللالی، ج 1، ص 119 .

137. عوالی اللالی، ج 4، ص 60 .

138. فروع الکافی .

139. صحیح البخاری .

140. صحیح البخاری .

141. میزان الحکمه، ج 11، ص 5551 از الترغیب والترهیب، ج 3، ص 484 .

142. میزان الحکمه، ج 10، ص 4831 از کنز العمال، خ 2777 .

143. میزان الحکمه، ج 10، ص 4804 از تفسیر العیاشی، ج 1، ص 3 .

144. این صد و سی سخن منتخبی است از مجموعه گرانقدر نهج الفصاحه که با همت و ترجمه آقای ابوالقاسم پاینده پدید آمده است و در زمینه گردآوری و تدوین سخنان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله کاری با ارزش و مرجع به شمار می آید.